

# شبح

## تروتسکیزم



"... ولی خطر مدد در جنگیں جب روشنکاران خارج از کشور بنا یابی  
ایروتوسیم حزب توده نموده، بلکه تروتسکیم حد انقلابی من ماند..."  
ص ۲، "پیشگفتار" به ترجمه خارس خطر تروتسکیم،  
برگزیده از رادیو هزارا، ناشر: ناسعلوم، تاریخ: ندارد

"روی سلطانیں سکه انحراف و دگاهیم از احتمار افکاره، است مر  
روی دیگر آن، یعنی تروتسکیم، اتفاق خطریست برای جنگیں تاریخی  
ایران، و نایاب قبول از اینکه جان پنجه دیان مبارزه کرد که روی نیز باری  
مدفن، هر چند کوتاه، نه ایران، هر چند محدود، که راه نسازد..."  
ص ۸۲، "سلطانیم یا تروتسکیم" "روشنکیم" "نوشت هم"  
دانل، در سال انقلاب فوستالیم، شماره ۲،  
بهار ۱۳۰۴

"... دعوای استالینیست‌ها و تروتسکیست‌ها که من بگیری  
بالد ای مسازد یه تاریخیت - لیهیست‌ها بیرون ندارد..."  
ص ۱۷، "نکات دیواره استالینیم و آنی استالینیم" ترا  
نوشت: محمود نوکاع، در میان میل، شماره ۵  
پائیز ۱۳۰۴

انگاران کرد، اند در این میان، بجز کماله سر عمل، سایر  
نوشته‌های حامی غایوت مایه‌شان، در برگزیده مطلق القول بود مادرست  
و آن مدققتان از این مبارزه ایدنکنونه است. ممکن حقق القول نند  
که هدف، جلوگیری از اقطادن مایه‌شان به "دام تروتسکیم" است.  
خواسته ای که بد تاریخه جنگیں که بیشتر کاربری ای شناسی  
دارد ممکن است میان بخاند که طن این سالها چه بع داده، که  
این گزینش‌ها را، بخصوص حزب توده و کماید، وای بیو" تندیسته  
مالوسته دن، را، ودار به جوابگویی به میان بخته‌های می کنند

"... در حال حاضر این‌لیستها و سایر نیروهای مردیج، در رطایله  
یدهای این‌لیست خود با جنگشایی آزاد نیشنا خیوه‌های گواگلن تروتسکیم  
یا سخن‌آور "سلام بروند" ای، بخدت خود گرفته و بس دریغ به توجه  
زانهای آن در درین جنگشایها و بیوه، در میان روشنکاران خود، بیویا  
ست من مازنده..."

من بحیثی "قدمه" ترجمه نارس تروتسکیم  
شد اقلاب در پیشتر، نوشته ج - اول - دن  
انشارات روزیه، ۱۳۰۴

در چند سال آغازین نوشته‌های درباره تروتسکیم و "خطر آن  
از طرف گزینش‌های مختلف میان ایونیسیون شد یعنی ایران خطر  
شده است. ابتدا که شبح تروتسکیم در میان این ایونیسیون شروع شد  
کلت و گذار گردید. است طیف وسیع از این گزینش‌ها، از حزب توده  
ایران، ٹایپیس‌های گواگلن بیو "اند پشم ماقوشه دن"، تسا  
ظیفیت پژوهشگاه مسلح تاریخیم" و شنبه سر عمل کسی  
می کوئند "در مشاجرات سخن قل آ بود" "شود، تا، و سیلاه" مطالبه با جزوی ای به این طلب اختصاری اند و با بطور غصی

نه سفید نیزه نشود، سالان مایل استگاه از بده و شروع عازمه بوده  
تینین چه طبقه رکد و تحکم بورکارس در شریوی پارها و پارهه، در  
محلات این شارع کارزار شده است، بنابراین نوع هایی که همان موضع  
\* غمته "ند نهادست بود و در تمام مسائل اساس طبقه عازمه  
گرد، بلکه لین خود تروکن را خوب من شناخت و بقول احسان طبری  
نقش واقعی تروکن "از همان آغاز تین عازمه بود" \* از زمان کم  
عازمه طبقه اینهیون چه شروع شد، بورکارس برای استفاده از اجهاب  
لین در انتظار بود، ها شروع و جنیشجهان که نهادست شروع به چنین  
کشیدن نوشتجات چنان لین طبقه تروکن گرد که از این راه "ناید  
گند" که لین خود بیکنیرین بزنده طبقه "تروکنیم" بوده است.  
احسان طبری هم از این سند استالیستی پیروی می کند \* کائینتک سما  
نوشته های لین اشنا مسند من داند که لین در مجازه میانی  
طبقه مخالفین خود، بخوبی بر سر مسائل مهم جهان از شدید ترین  
لحن ها و عبارات استفاده می گرد \* که قل از انحطاط بورکارا تینه  
شوری بیز، هرگز این نوع جمل ها ذریحت های سیاسی حزب بخواهی  
برچسب تعبین پیغام رهبران جزپنگاران رفته، بحث درین حزب بوسی  
سالی اساس جنیشیک از راه های غروری و قبول شد \* استمال  
سالنیزم، مکاریک در حزب بود، بدون چنین بحث های سیاسی  
و دکاریک رسیدن به نتایج قاطع که رعنین مل اتفاقی حزب باشد مثال  
بود \* و دفعه ایون هدف این بحث ها رسیدن به نتایج سیاسی سراسی  
پیل بود، در بحث های سیاسی فاعلیت و سلطنتی مخالف بکار رسانی  
برفت، این بحث های بحث های روشگرانه اند که بین  
روشنگرانه ای این ابد ادامه می باید و "ریاست ادب" برای درجاتی دارد \* این  
این ناکره دل ان بر روش شدن سالی سیاسی اولویت دارد، این  
بحث ها مثل مطلع حزب را تعین می گرد و لین شدیدشان مدد  
معکس اهمیت بود که در حزب به این روش رسیدن به مکافات حزب  
داده می شد \* لین خود به بیان شیوه در میان اشتش در جزوی وک  
گام به پیش، دوگام به پیش در این ماره می آید:

در اینصورت تعیین از عاد آوری می از گفتگوهای خود در نظر  
با یکی از سایدگان "مرکز" خودداری نکنم" او میمن مکافاتش  
مکرد که "در نگاره ما چه وضع شواری حکمراه است اما این  
هزاره دشنهار، این علیهای بر سر یک مگر، این جز وحشت  
خشن و این روشن رفایه ای" \*  
من با او خواب دادم: "چند نهادست نگاره که ای مسازه  
اشکار و آزاد است" گویند عین شده اند رأی ها داده  
شده است، بصیر اخاذ شده است، مرحله علن شده است  
به پیش این - آن چیزی است که من می سند م این زندگی  
است، به آن لفاظ بسیار بایان و خسته گند "روشنگرانه که  
نه تمام شد بش حل قدمه بوده، بلکه خست شده افراد از  
گذشت است" \*  
وقتی "مرکزی" با چشان حیرت زده بعنی نگزست و پیسا  
حال تعب شانه هایش را بالا ای انداخته م به زیاده های  
منظف با هم سمت میگردید.

محض آثار لین، ترجمه فارسی، جلد  
اول، قسمت اول، ص ۲۰۸

در بحث های لین نه تنها طبقه تروکن بلکه طبقه بسیاری  
دیگر از رهبران سویا دکاری انتها مات گذشت بخطور خرد کردن مخالفین  
شود \* ولن لین هرگز انتها مات گذشت بخطور خرد کردن مخالفین  
خود استفاده نمی گرد \* حقن در مرد کاغذ و زنگنه هم که تا کنایه  
اکثر مخالفت کرده بودند و مخالفت خود را قل از قیام در نشانه  
لورک ۱۹۴۷ ~~۱۹۴۶~~ آشنازه هنتر کردند، پس از تغیر وضع آسان  
و انتقامه شدن شان در زیرهای خرب، لین این اتفاهه گذشت را بدید  
باد آور می شد و حقن در میک از آنین نامه هایش تایید گرد که لین  
وضع گذشت باید برهنه شان مکار گرفته شود \* برعکس اسناد این  
در اکبر ۱۹۴۷ از این دو دفعه کردند \* پس وبا پیشنهاده  
بر اخراج آنها اند سلطنت مخالفت شان با تضمیم اکثریت کهنه های  
بلکه بخاطر این با گذاشت، انحطاط حکم، شف طلاق شد، این

له موکیاسن شویوی و "ایران ترازه" فکر می گردند با معاشران  
و اعاظه های شکو، با آنکه تکله و اینهاد آن مبنی از رهبران بخلوی،  
با سالان روز تحریف و جمل سخاچههای تینیهای چشم جهانی  
کارگز خاموش کرد، اند چنون است که تینان نه همانه مجازه با  
خودکشیه در دستور روز قرار گرفته، بلکه "خطر نه" در جنیش  
چه روشگران خارج از انتہا" شده است \* دلهر این وحشت  
بالهای از این "خطر" در واقع بسیار ساده است \* با درین بدیدی  
از برخاست نوع انقلاب مهار از او اواخر دهه شصت پیغمد، بین اطل  
چهارم واقع به تینکن از توی از چندین ساله خود و رشد از ایلک عراه  
با رشد مبارزات مهیا شده است \* ده ها هزار از سیل مواد مادرین  
انقلاب در سرایان جهان برای یافتن راه پیشبر، جایز ایشان مسوی این  
سازمان بود آورده اند \* و این دقت اینان ملکیت اینهاد احسان طبری  
و اسناد ایشان را زنده و راد بخواهان را باع دارند که "ملکان مهیا"  
تحف و جمل استالیستی دوباره سریز بیرون و این اسلحه های  
وکل زده و کنده را دوباره بگان گردید \* ولن در این دوره، پرخان  
دویه ای که بین کارا استالیستی ملکیت اینهادی تینیهای  
طلق داشته، این که تینهای تسلیمات برندگان خود را از دست داده اند  
نه بمحض این تکه در قسمت آخرين مطلع باز خواهیم گشت، ولن  
قبل از بحث حصل آن لازمه نظری به محتوى این مقاله اید تلویزیون  
نهاد اند که بینید از پلار کراش های مختلف امولا **"سایل"** چیز است \*  
و چگونه راه حل هایی پیشنهاد می گند \*

احسان طبری، "شورینجن" "حزب طراز نوین  
طبقه کارگر ایران" مقدمه های لین و گروپسکایا  
را با "ایاد آوری" خود "نکعل" می گند \*

ترجیمه فارسی کتاب شهرهای جان نید، ده بیوی که دهیا را زالد  
سال گذشته همراه حزب بوده ایران منتشر شد \* این کتاب از زندگان  
و گیاهی این اوصاف اتفاقات اکبر است \* تکان است که لین در مقدمه  
شود برآن میشود \* این کتاب بیانیهای تینیهای و پوش اینن تصویر از حوا -  
دیش است که وقت برآنها برای فهم چگونگی اتفاق بروانلای و دیکا -  
تینیه بروانلای دارای اینهاست بسرا است \* [ترجمه فارسی، ص ۱۶] و  
کرسنکایا بین چنین وصفش گرد: "در این کتاب بیوهای ناخن اتفاقات  
اکبر پنهان فوق العاده روش و پوش و برخوانی تصور شده است" \* همانجا،  
ص ۲ \* مع الوصف، قلب ثبت سال بعد، احسان طبری این اوصاف  
لین و کرسنکایا را کافی نمی داد و پرخانک این دو عنده است که  
جان نید "بنا بر حکم ظاها و بیو خواز که سالیان این کتاب را  
نویش است اس ۲ او از واعمه اینکه مادا از توصیف پاکلاسته  
[ساده لوهات] \* [چند] جان نید تغیر و گیشه های اسفلاد کشند  
سود هد [چند] [دیکان] [دیواره نظر لین] دیواره برقکن و ترکیسم  
بروش و اعمیات را باداره شود \* [چند ۳، ناید از ما] \* میبا این  
خود در سال ۱۹۱۱، در زمانی که تروکن از رهبران شناخته شده  
دوات جوان شویوی و بین اطل بسیار سرخ بود چنین و مهه  
ای از کتاب جان نید بدیل راه نمی داد، آنرا حقیقت لین و پوش -  
لین توجه از چکوپن اتفاقات بروانلای مخواند، ولن امروزه احسان  
طبری خود را بیوکات از طرف لین سقوی می بیند که دیواره نظر لین  
باد آور هایی نیست \*

النده استالیست های "کهبر" از احسان طبری در درون خود  
احتهاجی به این گوید "باد آور" ها داشتند \* آنها تل کتاب را  
"میتو" می کردند \* این کتاب در سالهای دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۴۰ و ۱۹۴۵  
کتابخانه های شویوی بر پیش گردید \* در دوره ۱۹۳۷-۱۹۴۱ احسان طبری  
سیم - تکه اینچ کتاب جان نید "بزندان و ارد و های کار فریاده  
می شدند \* فقط پس از گذشتگه بیست هزار گوپسکت شویوی بود که این  
کتاب دهه هایه تجدید چاپ شد \* روح شود به کتاب بروی بد و داف ،  
پکنار طایع قضاوت نکند، ترجمه اتفاقیس، ص ۱۶ ] -  
احسان طبری، نازه ای به اینها نیاورده است \* تم های که وی در این  
ترکیسم، نازه ای به اینها نیاورده است \* تم های که وی در این

سازه حساس نظر قیام ا مخالفت کرد - بود - پس از پیده آیند - و  
به این سیمین موعدند ۱۹۲۱ شروع به استفاده از این اشخاص  
قبل طی آنان کرد - استفاده از این اشخاص بعده بشنوی بحث و موضع  
و دعکنایک در خوب را کاملاً خود هم ساخت - بلکه از بحث های فلسفی  
لیز و سلیمانی ای ساخت برای کوادان مخالفین خود -

اختلافات بین این و ترویجی در رسالهای قبل از انقلاب اکبری  
اسما بررس و ساله بود - پس نظر خوب و دیگری ماخت اشخاص

- آنده رویه - در مردم خوب - اختلافات بین این و ترویجی از فهم  
نادرست ترویجی از بحث انتشار آنها طبقات پولیتیکی انتشار -

گرفت - طای خود و بحث تمهیب به روز الیکاروس - ترویجی در اولین قسی  
بهم در این مردم بیشتر نیاز داشت - هیچ گرا داشت - "مارکسیزم مسما

س آموزد که حافظ پولیتیکی را شرایط میان زندگی و تعیین می کند - این  
نخاع چنان نیز بود و چنان اجتناب نایاب نیز که بالآخر پولیتیکی را

میتوان خواهد ساخت که آن ها را در راه ای اکثر خود میگردید - بعنی  
حقوق حافظ میتوان خود را مورد توجه نهی خود فوارد داد - "ترویجی

قالیف سیاست" - مغل در تلویزیون پولیتیکی سازمان - ارسان مدل - و -  
در مسای این چشمی گزالت خوش بینانه وی لینین را حموم می کرد که

من خواهد خوب را "جانشین" خود طبق سازد - دلیل بعلت همین  
پیش از اجتماعات نایاب نیز رسیدن پولیتیکی به آنها طبقات انتشار

بود که وی طای سال ۱۹۱۷ به اعیان جازمه خشکی نایاب نیز میان طبقات  
نشنیک های نیز و اکرچه خود از نظر سیاسی کاملاً مخالف شده -

ما بود - معاویه احمد داییت که تجهیز مبارزات طبقات حق شنیکها  
را نیز سواشم سیاسی صحیح خواهد کشاند - براین اساس بود که

چندین بار از طرق مختلف سمع در اینجا - "وحدت" بین جناب های  
منظفات مسایل دیگران رویه داشت - طبق احادیث جدل مسای

لینین قبل از ۱۹۱۷ خوب ترویجی از دیگر قدر ترس معنی ساله است -  
ترویجی بعد از آن انتقام خود بین زندگان شنیک ها

گیری به آن شماره کرد - است - خود تجهیز انتظار رویه - از پیار  
قویه ۱۹۱۷ - به او آموخته که جای میگذرنده سازش شنیک ها

نمیست - لینین خود در این پایه در جلسه ایکی ۱۱ اکتبر ۱۹۱۷  
کمیت پیغایران خوب پلشنه، ذریحت خود خوب نیز از خوب

که حکیل حکومت انتظار با شنیک ها و سویاچ رولوسوره را  
پیشنهاد کردند چنین گفت :

"... و در موجه سازش [با شنیک ها و سویاچ رولوسوره] ، من  
جنی نیز و این سمعت در این پایه را بدی طلق کنم - ندتها پیش

ترویجی گفت که وحدت مصالح است - ترویجی این را فرمود و از  
آن زمان بعد پلشنه مهندی وجود نداشت است" - (استاد امسن

جلمه - مطالعه مسایل دیگر از اسناد - دهار ساور اسطول پیشی  
شد - کلیه اعمل روس آن - همراه با ترجیح انتیکس آن در کتاب

مکتب حصیر اسطولی - توجه لینن ترویجی - پاتل پایان نیز - ۱۹۲۶

در مردم اختلاف لینن و ترویجی بررس طایف انتظار آنده رویه ،  
طقی طبقات مختلف در آن و ماهیت داشت - و از این طبق این

طایف باشد شنیک های خصل خوب موجود است و ما در اینم  
به معلم وارد آن بحث نیز دویم - [بر عوو شود به سینه از انتظار

رویه - لینن ترویجی - انتظارات طبیعت - ۱۳۰۵ و پیش و میم -

اسدازها - لینن ترویجی - انتظارات طبیعت - ۱۴۰۰ - هفده اشارة  
من کلم که پیاز تغیر چهت گیری خوب شنیک در هر ۱۹۱۷ بین  
ما بازگشت لینن به رویه و جایزه وی خوب - شنیک ها و حق پیشی از حکومت  
دان و دوره دم از وحدت با شنیک ها و حق پیشی از حکومت  
وقت ترویجی من زدن - با طرح "ترهای آویل" (وظایف پولیتیکی  
در انقلاب) - ترجیح فارس در جلد دوم قسمت ای اثار هنری این

و قول آن از طرف خوب پس از جازمه ای سفت و جامع - دیگر همچوک است  
انقلاب اساس سیاسی میان ترویجی و شنیک ها بر مردم سال  
وجود داشت و همین دلیل نیز ترویجی (ورد از این سایر وی جناب  
علیم از گرایش رولوسوره - ای خوب شنیک پیشی بیوست -  
لینن در اکتبر ۱۹۱۷ در کفاراس پیغایران شنیک ها در مردم انتظار  
گردید ای مجلس مؤسسان گفت :

"چون کس طبله کاذبی ای تظیر ترویجی بخشید اراده ای ای -  
اینده درست پس از بازگشت [به رویه] موقعیت انتیکس پیشیست را

گرد. پسنه اسطالین بود که در آن لین از روی خواسته بود که  
بعلت اهالی که به گروکایا کرد و بود از روی مدغناهی کند. و گفتی  
خطاب به توشیش در مورد ساله ارجمندان من هر دو نامه از رئیس  
مددوف آمده است. [۲۲ و ۲۳] ترجمه نامه در توچیه

و همن چند با اکراف نامه ۱۹۲۲ به چند با اکراف نامه

رفیق صدر توشیش  
با ایلیم از شما بخواهم که دفاع از ساله ارجمندان را در کمته تحریک  
بعهده بگیرد. دلیل توشیش و امتحان فعلاً این ساله را "تعقیب"  
می‌گند و من نیز توام به بطریق آنها اطمینان کنم. اتفاقاً درست بر-  
کش، چنانچه موافقت کنید که دفاع از این ساله را بعهده بگیرند.  
خیال من راحت خواهد شد. اگر بیهوده ایلیم نیز خواهد بود این کار را  
ظفیر کنید. اگر طالب را بین بازگرداند این بازگردان را حملات  
امتحان شما بخواهد داشت.

با بخوبی دیرهای ریختان  
لین

تاریخچه این آخرين حادثه "لین اکون مسد" است و حدیث  
خود حرب کوتاه است. تزویی نزد بالا خود پس از تکریه بیسم اکثر سایر افراد  
می‌وطیبه آن را منتشر کرد. حدف نام از تکریه این طالب و مقتول  
رهبری توشیش شاند به شاه انسون در سالهای ۱۹۱۷ و ۱۹۲۲  
اھیاً جهیت "تروسکی و اجرای" "عدالت" تاریخ. "رسیت" مدفع  
ایست که از احسان طبیعی و هم قلتشان وی همراه که اگر باشد  
"شوری" آنها لین "از همان آغاز" می‌دانست که توشیش "چشم  
نیکن" دارد. چنانه این ممتازی نزدیک بین آنها را در طبقه  
۷ سال از مهدیین سالهای انقلاب، چند داغل و پیشین سالهای  
دولت جوان کاری، توضیحی دهد؟ اینها برای لجن مال کسری  
تروسکی، لین را همراه اینها در نزدیک چون شها مطلق این ادعا-  
پیشان این مفاده باشد که لین از غیر اصولی این را توضیح  
"سیاستداران" (سیاستداری بد تین بین کنم ایوب که با وجود  
علم به "نقش‌العمل" تروسکی این جان هنکاری نزدیک بود و مصالح  
مهدهای سالیان سیاسی را حل تکریه. به همان احسان طبیعی، ملکیت  
"شوری" می‌های "که" از قوی این تراویح است این این را توضیح  
بدهد. بیش از ۵۰ سال طبیع را تجربه کرد. اند. چنان از توانی  
را نوشتند اند، ولن بقول دود و دیگر دنگداران باید قضاوت کنند.

بجز این نوع استلال قرون و سلطان که لین چنین لفت و پیش  
چنین است، احسان طبیعی بعده ساله دیگر بزرگ "عاصی کبیر"  
عروسکیم است اشاره می‌گند و ادھار بیوند توشیش و چنین توشیش  
با "سازمان های جاسوس امنیتی" را هم طایق معمول دشوار  
می‌گند. این ادھار آخری را اسطالیمین پنجاه سال است تکرار کرد. و  
بدون اینکه حق بکند برای اهانت آن به جنیش کارگری از اراده داده  
می‌شد. می‌پدارد که تکراری بایان ادھار آن را مذکور به "حقیقت"  
ست جل خواهد کرد. البته در زمانی که این تکرارها و زده خلقان در روحی  
استالین را هم پیشتر است، شاید این پداره حدودی درجه و پذیر  
بود. ولن تکرار آن در شرایط امروزی، آنهم از طرف احسان طبیعی  
پیشتر پیشگاهه می‌ماند که حق بکند ادھار جدی. ولن دو ساله دیگر،  
که لازم پوشش سیاسی دارد، از آنجا که به اینها کوکانی باعث  
ایجاد افتخار دناره، موضع واقعی توشیش شده است اشاره ای به  
آنها ضروری است.

احسان طبیعی می‌نویسد: "... او [تروسکی] که هرگز انتیسم  
را در کرد. بود با تعبیر خط و غیر طاریکوشش از هموم انقلاب  
خدم". انقلاب اکثر را تنها [۲] بعنوان "ثان دهنده" انقلاب

آری، اقبال از او می‌شنبد و که رفاقت را تعجب می‌گرد. حسن  
آنرا که شخصاً حسن توجه بدینسان نداشت. لین  
می‌دانست چگونه حدیث شان را بسطاید. من از اینها می‌سازم  
حیثیت وی دناره استعداد سازمانه که ل- سد- حروشکن بسیار  
تعجب گرد. و مایلیخ موجه این تعجب من شد.

آری، بعد ام که تایمات دنیوی در ریاره طبله برخورد نمی-  
با وی وجود دارد. ولن هرچه هست، هست و هرچه نهست.  
نیست. این راهم می‌دانم. بهر حال وی قادر بود. —  
محضی می‌نمایی نظری را سازمان دهد."

پس از مکن، با مذاقی به تر، و کاحدودی هنگام، اضافه  
گرد؛ و با این وصف وی از ما نیست. با ماست، ولن از ما  
نیست. بلند پیوار است. رگاه ای از لال در روی هست.  
چنان که خوب نیست."

از چاپ انتلیس ۱۹۲۲، دخت هدیه

Don With Leslie, Marie Lammot Lee, 1922.  
صفحات ۰۵۶-۰۵۷

و در ترجمه فارسی آن، که اخیراً انتشارات مژده تجدید چه ای  
گردید، این شعریں با ددم و اشکم چنین از آباد را دید:

"بایهای از او شنبیده که رفاقت را سطیش مکرد. حتی از دفع کسانی  
که شایع بود از حسن توجه از همین حد نیستند نیز فیکذار نیز سود.  
این نوشته گویند پس از ذریه بهاره باطلخواج "استالین زدائی" دنیا  
غوشچک تجدید چاپ شد و در این چاپ بهای هنان سنه ۱۹۲۲  
تکرار شده است."

از این محیطات که پیشترم، این نوع استلال طبیعی و هم قلتشان  
وی، که لین "از آغاز" نقش‌العمل را می‌شناخت، و "حسن  
در دریوان" که توشیش به بشوهای های بیوست "لین او را" "از خود"  
می‌دانست، بعده حقیقی دنیا در این دنیا هم بین لین و توشیش اختلاف  
های اصولی سیاسی وجود داشت، آنها را در طالب مأک خطيیری  
قرار نمود. از این دنده در دارای تاریخ اکون دیگر سجل است و حسن  
چندین داهه جمل و تصرف طایع بوسط بولیک اساتیلیپیت هم  
توسیع این مفهوم است. تقویتی از مفعله طایع بزایداید که مژد پیشتر مکار  
لین ده طبل سالهای ۱۹۱۲ تا زمان مرگش توشیش بود. خود خواندن  
کتاب جان بید نظر توشیش را در عصر اکبر روشی می‌سازد. از  
آن بعد نیز نظری وی در ساختن ارتش سرخ و هدایت جنگ داخلی و در  
رهبری میان این امثله سوت تیاز به غسل ندارد. در جنگ چهار کنگره  
جهانی میان این امثله سوت تیز توشیش جزء هیأت تیایدگان گزب بشوهای  
بود و سقوط تهمه گزارش های مخفی. در اینکه ایل هیأت نایدگان  
بعد این گزب بشوهای مرکب بود از لین، توشیش، زنده، رادک، بوخارین،  
د زنیتسکی، پیکار، پاراگف، کامسک، گروکایا، پارکسکی، و دیکران،  
تروسکی مسؤول گزارش مانیفست بود. در اینکه سوت د رادک، بوخارین،  
زنده، پیکار، پاراگف، رادک، بوخارین، پیکار و ۱۰ نفر دیگر. توشیش  
مسؤول گزارش حیران اقتصادی جهانی و کلیل بین این امثله می‌بود.  
بعد در اینکه چهارم: لین، توشیش، زنده، دیگران - توشیش  
مسؤول گزارش سیاست اقتصادی جدید شوری و چشم انداز استقلال  
جهان بود.

در طبل دنیا های ایل لین مکار از توشیش خواست که مسئولیت  
پخت های را بر کمته تحریکی گزب را بخواهد. پیکار و حسن  
بسیاری از نامه های لین به توشیش میان بر این نوع پیشدهای داشت  
کتاب مکتب تحقیق انتلیس [صفحات ۵۶-۵۷] میان ۷۷-۷۸ میان انتلیس آمد  
است. ولن شاید مهمان آنها می‌وطیبه چاره لین بر سر مأک  
استالین باشد. در ۵ مارس ۱۹۲۲ لین آخین دو نامه خود را داشت

\* در اینجا هنگام شوهم که گزب توده در ترجمه نامه معرفت لین  
به گنگره تحریف گرد. است و در این تحقیق پایشانی می‌گند "من؟"  
کتاب جان بید: "لین در ریاره توشیش می‌گردید" اوششما شاید با-  
استخداد این فرد کمته تحریکی فعلی باشد. ولن درین حوال  
اجداد پیش زاده از حدیث شان می‌دهد "... در ترجمه فارسی  
اجداد پیش خود پیشانی ترجمه شده است اینها شاید در میز  
استالیپیت های گزب توده این دوازده معاذلند.

ما برایی دسترسی به سطح علیم میخواست. تئاریخ هنکم که میگفت  
سنتواریون به قدر این اتفاق با آسیکوی لک و پا حق در شجاعتو گذشت  
میتواند برای دشمنان به سطح به ما کند که این اولین بخش  
دارد که ما را از خطر صلح بحسب روسیه پیشاند. در این  
باره من باید یکم که اگر زمام اینها میگیریم در دسترس  
پژوهای اینها اینها میتوانند باقی بمانند، دو آنچه روسیه اتفاقی  
در هر حال پناهگار معدوم خواهد کرد. از دو حال حسارت  
یکیست: با اتفاق روسیه جنگ اتفاقی را در اینجا بین اتفاقی  
با دول آمریکان اتفاق روسیه را خفه خواهد.  
صفحات ۱۰۰ و ۱۰۱

این حرف، که آلتی همچوی ریاضی به تازگاین سخنیست [۱]؟ اتفاق  
به اینها ندارد، برخلاف فهم اسطورهای ما بخواهه ایک پیشنهاد ربط  
اطفالیان زده نیست، بلکه بر اساس گزارش‌های مبارزات طبقه‌بندی  
جهت گیری یک دولت کارگری اتفاقی را تعریف می‌کند. برای همه چشمکش  
ها و چنانچه از خود حزب که تبروی اتفاق را در اتفاق و سازی طبقه‌بندی  
می‌جستد، پیشنهاد را تبروی اتفاق را در همایش پژوهانیای جهانی  
می‌جستد و اتفاق خود را سرآغاز سفر اتفاق های سویاالیستی در  
دنبی می‌دانست. نه موافق تروفسکی و نه موافق این با هر رعایت دیگری  
از پیشنهاد را تبروی می‌داند که مدادر مدن اتفاقیه این اتفاقی وی بسته  
اتفاق جهانی در همه شکوه اتفاق را در تک خاله رع خواهد داد و بینابر  
این باید در همچوی تبروی اتفاق را در کرد که این لحظه میتواند فرا بررسد.  
اگر موافق این بود موضع تروفسکی است اصله چرا آنها اتفاق را سازیاند و آن‌باید.  
این کار ناگزیر است که اسطول‌بندی اتفاق را در اتفاق مدادر ساخت. بدین اینکه  
طحال در همچوی از پیشنهاد را تبرویکنند تقدیم شود ای از چنین موضعی  
از داد دهد. اتفاق سویاالیستی هرگز سیاست پیشنهادی نیست که داد دهد است  
پژوهان را بخواهد. است کسب در حق تکنسین قدم در این راه است  
و پیروی کامل این اتفاق را می‌دانند. اتفاق سیاست پیشنهادی است که داد دهد است  
طبیق، مستلزم داد اتفاق است هم میعنی سیاست آن در سطح جهانی  
و هم معنی پیش آن در تکه سطوح زندگان اجتماعی. بقول سید  
تروفسکی اتفاق سویاالیستی در زمینه عل آغاز میکند و این موضع  
در زمان زینه، تکمیل گردید. [۲] اتفاق پیشنهادی، س. ۲۱. انتشارات فاتحون  
۱۲۰۳ و این دلیل همان موضع تروفسکی و حزب پیشنهادی بود. سال ای که  
پیشنهاد را با آن تبروی می‌داند این بود که اگر اتفاق در این راه  
گردد اتفاق روسیه را چه حد معدوم خواهد شد. آیا اتفاق و عالم  
دستوارهای اتفاق بدهد و شد. ارجاع میتواند بازخواهد شست  
و با اگر ره ط بجهه خود اینکه پیشنهادی ارجاع در این دلیل چه ظاهیر  
بر اتفاق روسیه نیست. این داشت، یعنی ط کجا اتفاق را پس می‌راند، اینکه  
قابل پیشنهاد نبود. فقط توان پژوهان در طی داری خود مجاز طبقه‌بندی  
میگیرد که این بود. اما پیشنهاد را می‌خواهد که چگونه این موضع  
ارجاع در اینجا گذاشته شود. بهم توجه شدند و مذکورین لست را  
به سطح اتفاق در اینجا برداشتند ترا این بحد اتفاق بود که مذکورین  
راه دفعه از خود اتفاق اکثربود. و "تکمیل اتفاق سویاالیستی".  
و چهت عین مبارزات طبقه‌یانی دلیل را می‌داند. لین غسود  
در پیشنهاد راهی محدودی همین نظر را بیان داشت. پطور خالد ریگاری  
سویاالیستی دوچاره این استدلالات چند میگردند:

در مارس ۱۹۱۸ چنین گفت:  
... تاریخ اکنون ما را در موقعیت شواری فرارداده است؛  
در پیشنهاد کارزاریان بسیاری دشواری، تا جایی از تحریر نگهداشته  
نشون میگذریم. از نظرگویان جهانی تبرویکن که نیکم، اگر اتفاق مسا  
جهای بماند، اگر جهش‌های اتفاقی در سایر کشورها بوجود یابدند،  
آن شه همچگونه امید به پیشنهادی بهانی این اتفاق است. زمانی  
که حزب پیشنهاد را بهانی این کارگرد، ما این انتظار میکنیم  
بود که اتفاق در تمام کشورها در حال رشد است و بالاخره - اما برو  
از ایندیا - هر چند رشکلانی هم در راهان باشد، هر چند نشسته  
هم در پیشنهادی باشند، اتفاق سویاالیستی جهانی غرای خواهد شد  
رسید. ورشد خواهد گرد. زیرا که در حال رسید است و به رشته  
کامل خواهد رسید. هرگز می‌گفتم، بحاجت ما از تمام این مشکلات در اتفاق  
سویاالیستی است. و چند کلام بعد پژوهان، دست تمام شدند.  
قابل تصویر، اگر اتفاق اینجا فرا نرسد، ممتد خواهد شد. اتفاق اینجا  
النات آن، النه، به اتفاق. جلد ۴۷، صفحات ۶۴ و ۶۵.

پژوهیک در اینجا با پیشنهادی توصیف می‌گردند. اتفاق داده را می‌گیرند  
در شرایط ظرفی مورد بحث همایت بود. آن حالا ذیکر نیست؟ [۳] از سوی  
اتفاق بوزیری دیگر اینکه به سیاست سویاالیستی و اجراء اتفاقات  
سیاسی و اقتصادی، فرهنگی برای تحول بنیادی جامعه و به معنای  
هزاران حضور اتفاقات در قاره ایران. [۴] م. ۲، تأثیر در اصل،  
اسفهان از ما

مترجمن کتاب نیز در طبع متن به تک خواهند. "ساده لسج"  
بن شنیدند و در دوجا با اضافه کردن یادداشت‌های جانبد  
را که "بنا به حکم شواهد امور و نیز خبر از که سائل" گفته‌ای خود  
را با تروفسکی در دوره سیاست خارجی دلت آینده شرح می‌داند  
"اصحیح" من گفتند و در این رابطه می‌گزینند "لعن خدیدا با این  
نظیرات و تراها مخالف بود و میکنند اتفاق را که درینک  
کشور واحد امکان پذیر است موقول به وقوع اتفاقات در سراسر ایران کنیم  
بدون تردید به خله شدن خود گفتند ام." [۵] م. ۶۱ و مجدداً  
در آن قسمت کتاب که شرح جلسه نایش گذره شوراهاي تایید گان  
کارگران و سازاران سراسر روسیه (۱۹۱۷ / نوامبر ۱۹۱۷) آمده  
است و نطق رهبران اتفاقات به تفصیل نک شده، پس از سخنرانی  
تروفسکی اتفاق من گفتند: "این اتفاق اتفاقات سلسلی با اتفاقات  
پایدار را تروفسکی با حرارت از آن دفاع مکرر ازین اتفاقی وی بسته  
تبروی خلیفهای روسیه را پیشنهاد از اتفاقات ناسی می‌شد. دویا قمع  
تروفسکی ملکی اتفاق روسیه را در گروایجاد سلسله اتفاقات ایران ایش  
مداد است و این یکی با مطلع‌لین میتواند پیشنهادی اتفاقات با ایش  
به تبروی خلیف دیگر اتفاق را واحد امکان پذیر است همایت داشت..."  
[۶] م. ۱۱۰

در نظر اول خواهند. حیرت من گفت که این حزب پیشنهاد و گیشه  
مرکزی آن، از جمله نایش، مجب حزب من اتفاقات و بر همچوی موده،  
که اینها از مداد تروفسکی در پیشنهاد اتفاقات، سیاست پیشنهاد  
سیاست حزب از عینون گذره شوراها و بنام حزب پیشنهاد اهلام و جمله‌ای  
گفت و به همها او را برای این چند کاری تحت اتفاقات شدید حبس  
نمایند. همچوی او را پست تکسر این خارجی پیشنهاد حکومت شوراها  
در کامی اتفاقات گرد. اول این معاشر بایزد را واقعیت وجود داشت  
و حامل جمله‌ای استاد ایندهیک است. دیگر ای اتفاقات حزب پیشنهادی،  
از جمله نایش، فرقی با آنچه تروفسکی در این روزهای خسارت  
سالهای بعد از اتفاق مداد نداشت. اسطول‌بندی هم هرگز تقویت  
است آنچه را واقعیاً موضع تروفسکی بود و آن گفت: بهمن دلیل موضع  
او را دانستی من گفت و این تصریف را رد می‌گفت  
موضع تروفسکی چه بود؟ راه درین نیم، بهمن کتاب جان بید  
و بهمن سخاچی که ترجیمین نای اتفاقات خود آن را مین کرد ای اند  
رجوع می‌گیرم. در زمانی که انتخیت حزب پیشنهادی می‌سازند هی  
قیام و هدایت پژوهانی دارکسب ادراست از طبقه شوراها گرفته بود،  
برین احزاب و حق جهانی در داخل خود حزب استدلال می‌گردید  
که اینکار حزب را خفرد خواهد ساخت و نیز باید حکومت اتفاقات سیا  
سویاالیستی را پیشنهادها و مذکورک ها تکمیل داد. در این سخنرانی  
تروفسکی در وقاره این استدلالات چند میگردند:

با ما از دریوت اتفاق سخن میگیرند. فقط یک اتفاق امکان -  
پذیر است و آن اتفاق با کارگران، جیوانیان و تهدید است نیز  
دیگران است و اتفاق سطح پیشنهادی به این اتفاق از آن  
حرب می‌ایست. اما آیلوف کدام اتفاق را در سیاست از آن  
اتفاق با آنهاش که پیشنهاد حکومت خانی بر میهن می‌بودند؟  
اتفاق در حمام میاره طلاق این افرادین میتوانست. خلاصه، آیا  
سازمانده من هیام مکن میوید اگر در سیاست ما "دان"  
و "اوکسیتیک" قرار داشتند؟ آیلوف خند! "اوکسیتیک"  
دان کم مداد، اما آیا اتفاقات با آمیرونس ها نان سیستمی  
خواهد داد؟ و چن میایستین دیگران و اوکسیتیک کسی  
کیمه های ارضی را توقیف میکرد. یعنی را اتفاقات میکند که اتفاقات کلامهایش در  
دیگران را بر میگزیند. اتفاقات میکند که اتفاقات کلامهایش در  
سلطه ای این خواهد شد...

آیلوف ذهنی بود میکند که اگر ما "حفره" بپاییم آنها می‌می‌سازیم

با به قوم احسان طرفی بدلار می رسد که تین هم " به نصیری  
لقاوهای روسیه " افتخار نداشت و " بقای انقلاب روسیه را در آن ایجاد  
سلسله انقلابات اروپائی می داشت .

نه تنها تین ، من الطبل تقویت هم ؟ چهارین لکته ای ران  
دهد : بود :

" چهارین لکته " جهان به پولترهای تمام کشورها خاطر شان  
سازد که انقلاب بولتری هرگز در یک کشوری کامل بخواهد  
بشد ، بلکه تنها در سطح بین اقلیم ، بظاهر انقلاب جهانی  
روز گردید . " از قاعدها چهارین لکته گفتند در هر راه " پنج  
الله انقلاب روسیه " من انقلاب ، گردآورند " Dignus ساده .  
اب F. CASS . ۱۹۷۱ ، جلد اول ، صفحه ۴۴۴ .

فقط پس از شکست موح انقلاب و تحکیم ارتقای بولتری ای ران با  
د که صحت این فشار حکم امیرالذم ، از دست رفاقت قدر وسیعی  
گذاشت تین کار راهی گارگری در طن جنکهای داخلی ، رشد و تحکیم  
برکارس ، وبالاخره نسب حاکمیت سیاست توسط این بولتراس " ثوری " را  
ساختن سوپرایز در پلک شنی ( من سرعت لام پشت ) ، ساخته  
برداخته شد . این " ثوری " که با هرگز تجزیه و فراشند جازی طلاق در سطح  
ارکتیس انتشار یافته باشیم مطلع این گرایش این نتایج را پویا نمود .  
جهان مسایرات داشت ، تها می باشیم به ارتقا هیئت تین ساخته  
تجاهد . در توکسک از همان ایده ای طرح این " ثوری " جازی شدیدی  
به آن آغاز گرد و حدتها پل از آنکه این سیاست ما واقعاً تحقق  
بند متفاوت با بولتری مطلع این گرایش این نتایج را گشود .  
آن انتقاد خود از پیش بولتری موضع گفتند که پس از ۱۹۴۸ توسط  
تین بودند بود و برای طرح در لکته ششم گفتند از پیش -  
طباطب ۱۹۴۸ ای ران شد . توکسک بیرون بودت ( ۱۹۴۸ )

" دکترین تین اعلام می دارد که سیلا اگر مداخله ای رفع نماید  
سوپرایز متوارد بر میانی یک دولت می ساخته شود . از این می تواند  
می باید اطمینان از اظهارات پر ای و تاب پیش بولتری موضع این سیاست  
از ایشان را ای بسته به بولتری خارجی ما هدف دفع مداخله سنج  
دو ، زیرا که این چنین سیاست ساختن سوپرایز را افسوس خواهی  
د ساخت ، یعنی ساله طبیعی معدود را حل خواهد گرد . گلوف  
هزاب گفتند در نتیجه ماهیت کلی بی خود غایاقد گرفت ، رسالت  
آن حفاظت اتحاد چنانهای شیوه سوپرایزی از مداخله و بسیار  
ازیز برای گسب قدرت می شود . البته ساله ، ساله نهاده تذلل هیئت  
بست ، بلکه مطلع هیئت نظر سیاست است . " ( ترجیه انقلابی ، در  
من الطبل ستونی از تین ، پایتایلر برس ، ۱۹۷۰ ، ص ۶۱ او در  
ده ترجمه ایوان کتاب خود ، انقلاب حدائق ، در ۴۹ مارس ۱۹۳۰ :  
باين دلیل است که اگل همراه استلطانیست در واقع بست احتمال  
من الطبل تقویت می بود . و جدا ، اگر سرویت سوپرایز بخواهد  
سطپ بالاتین ملام مکن - گفتند مرتبه بیزی - ولی - تمنی در  
چیزی می - تضمیم گرفته شود ، اهمیت نایابی آن [ گفتند ] چه  
واحد بود : در آن سویت ، تلفیق گفتند ، معراج با " رفاقت اتحاد  
بروی " ایشان را ، حفاظت از ساختن سوپرایز در تقابل مداخله  
واحد بود . یعنی ، در واقع ، ایقای مقتضیانان . " از ترجمه فارسی  
کندوکار شماره ۲ ، ص ۵۶۱ ۱۳۱۲ ایصال گفتند

از این ساله که پیشتر، احتمام گفته شد بگزیر "انوار و نظر سقراط" مقالاتان را بخط دروسکن است - مواباین احتمامات را دروسکن خود فصلی در کتاب آنلاین مدیران دارد - است و از آنها که اتفاق امسن ابتدای زمان فارس پیزد روز ترسیم است (آنلاین پیشگیر)، انتشارات فارسی، پیوریک ، ۱۴۰۲ ، ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ از جلوگیری از حضوبی کلام، خواسته را به کتاب مجموعه دهم - کنون قبول از آنکه "پادآوری" احسان طبری گذار یافتن از این ذکر برای تکه آخری شروعت دارد - مطلب سقراط آخر "پادآوری" خود را به عبارت پیدا کنی و میرور وحدت مسلوک آنلاین اخلاقی می دهد و این گونه مذکور و مقاله بی جلدند:

- "اختماد همه بروگرانی ای آنلاین در مقیاس جهانی انسان و بزمیوشک ایند آنها یا یکدیگر شرطه ضرور حاریزه کامیابانه امسن بینایان با این الیم است ..."

این سالان خود داری شد «دیگر آینکه مسائل بود بحث جنگ استثنی»  
بنویسندگان که این را در رایطخانه شرایط تکونی جامعه نمایند و ملکیت  
کوئیستهای ایران منوط باشد و با لایق در درجه «فری» «امپرسانت»  
نمی‌میند و به این دلیل پنداشته که بحث این مسائل، سالان داخلی  
را تحت الشاعع مسائل بین اطراف قرار نماید و به پیشرفت شجاعه  
در ایران لطف نماید. سال آنکه واقعیت درست برگزشت است. «این  
مسائل نه تنها فرقی نسبت به بلکه دیگر مسائل مبارزات طبادسی  
در ایران هستند. سالان ماهیت اقلاب در کشورهای تبعه مستعمره  
از جمله آنهاست، سالان مغلق طبقات مختلف در اقلاب از جمله آنها  
است. سالان ارهاطیین عکس اقلابات در چندین دهه که ترس  
با انتظاپ برگزارتند دولت شوروی و پیدامش استالینگراد و عقلاً آن در  
جنشجهانی کارگر از جمله آنهاست. آینها همه سالان پسروایی  
عکس اقلاب، از جمله در ایران، است. پیشگامان انقلابی در  
ایران در چندین ساله اغیر دلیلها با خودداری از بحث های اصولی  
بر سر این مسائل حیاتی، با این توجه که جاده این بحث ها به وجود  
لطف زد، توانسته اند آنطور که باید و شاید گرایش های ملکیتی  
و اسطبلیتیست ذرا درین اینونیون را شعوف و ایزو کنند، منور خود  
اسیر بسواری از همین ظاهر ایدلوبیتی بالان ماده اند و در تجسس  
صلا راه وحدت والعن و اختوان مسدود نماده است.

### هم‌دان: "روشنگر" نازک دل و مارکسیست مبتکل "رجیده خاطر"

در شماره ۱ کندکلو در فصل معنی و نقد کتاب، مسدود را  
کتاب در پایه مسلط شناسن: «معنوی از نظرات، گردآورده و نمود،  
انتشارات موزد، اینها، اینها، ۱۹۷۴، را معرفی نمی‌کند و بخوبی مذکونه  
گردآورده آن را مورد انتقاد قرار می‌نماید. «این انتقاد جان فابری  
بر هم‌دان گذاشته است، که "روشنگر" مبتکل مارکسیست»  
مارکسیست سالان انقلاب و سوسالیسم را به چهار مقطع تحت مسئولیت  
«ستاندپلیتکر و روشکیم» (صفحات ۶۲ الی ۸۰) مین‌گزد است.  
از مقدمه پیش‌نیمه ها و مخلفات این مقاله که بگذریم، جان کلام هم‌دان  
در این جملات است:

"ستاندپلیتیس بکل سبق این داری مهد جا - و بجز در ایران - در  
حال زوال است. بوقت سلطانی سکه احراف و دلخیص از اهمیت  
الخطه است. بوقت دیگر آن، بمعنی جوشکیم، این نظریت برای  
جذب مارکسیست ایران، و باید قبل از آنکه جان بگذرد، با آن مبارزه  
کرد. با وی بزمی ایدلوبی، مرجدند کوهه، ده ایرا، هریند مددود،  
کمراه نسازد. چرا میگوییم خطرازک است؟ بیرا روشکیم، برخیان  
برادر را واقعیت‌پیش‌نیمه، بخاطه احراف از مارکسیست‌پیش‌در ایران  
نموده است و از "کوهه ای اجتاج" نگذشته است. «کندکلو هائیان  
کم اطلاع با اطلاع را بخیرید و خود را بپنهان. دشمن ناری‌پیش‌کنی  
ستاندپلیتیس» جا بزند، خطرازک است بیرا اینها با تکیه پا به اعماق اقلاب  
روشنگر، و به آنکه محدود از آنست، اینکه سازمان و مخفیان با کله می‌ستند  
خای روشکیست فریتیک [۱] از سوی دیگر، و مخفیان با کله می‌ستند  
شهازد، روشنگر. اوجه کندکلو می‌گویند "شهادت" نیز در چندیه  
با سلطهای مذهبی قوی شهادت امام حسن جذشکارگری. در مطلب  
بزید آن که سلطانی باشد، اثربروانی ممکن دارد! محدود است  
برای مدنی، هرچند کوهه، جوانان ایران را به بیزاره بکشند  
از آشنازی صلح و هنر با مارکسیست و طبع جشن‌گذاری جهانی  
و جانه طلاقی ریشه‌گذاری اینها را بازداشتند. این خطر جدی است،  
نیز را بخش از پیویش را که باید در حدت مبارزه طبق کارگر ایران  
طیه سرتیفیک این جهانی قرار گیرد بهدر خواهد داد. «صفحات  
۸۲ و ۸۳ او مردی مبارزه با این» برادران دوقلو پیشگاه در نماید:  
"کار مارکسیستها جوانی نیست که در مرحله‌ی فعلی و آنهم در خارج  
از کشورها انتشار آثار مارکس-انقلابی در درجه نیست و می‌گذرد  
حقکاران و روحانیان انقلابی بیرون از جهان چون بیرا لوگاراوتر، اینها  
گراش، گواه... و بیز حلیلهای طبی، امارکسیست‌آه راهه ای اوضاع  
ایران و جهان اینهه خارج جهان اسطح تکم اینها را در آینه ای اوضاع

علمی نیست این جلاح از سرتیفیک ایران بزرگ بس از سرتکنو شد  
دیگرانهای فعلن چه بین جانشین آن خواهند شدند. زیرا از اینکه  
طرف کارگری و حزب نموده من اینان و "بینوازی طبی" که گریسا  
خواهان. «زیره دیگرانهای این سرتیفیک فرق می‌کنند از آن می‌گذرد  
اگر از این دیگرانهای مبتکل که این را می‌دانند اینها محدود است.  
ظرف از مرحله بندی های حزب نموده از انقلاب ایران همراه است بایـا  
نتیجه گیری سپاس آن که بر مرحله فعل از اینهه "این بیرونیهای  
محدود دیگرانهای" دعوت می‌کند که "برای مردان اختن اینها محدود  
رخانه اند دیگر چیزهای محدود دیگرانهای همکاری نمایند". «برای بحث  
فصل این "جهه" رجوع شود به دلیل شماره ۱، صفحه ۱۲۵۰،  
صفحات ۲ الی ۵. اینست آن نوع "وحدت" که طبق از آن صفت  
می‌گذد. "وحدت" که برخلاف گذاشته عین چاره طبقانی است و در  
آن طبع معاصر مکرراً اتفاقات را، بخصوص در نکرهای معمتمه  
و شبه معمتمه، به خوبین این شکست های شناخته است.  
نهایت بودت نیوهای محدود بیشتر، بخصوص رسانهای اخیر،  
هم در جان جان این داخل کشور و هم در میان جانشین خارج از اینکنون  
بسیار بسیار طبیعی من نمود. در اینجا های رخداده ها و بحث ها و بحث های  
محدود را دارد. است. دیگر با استفاده از این احساس بیان بودت است  
که طبق محدوده شفیری و کهراشی را بخورد خواهند. بد هدیه بعده  
می‌گوید از آنجا که صفتیست ها مرد این سالان بودند اختلاف  
را نظری می‌گذند و با این کار در بودت بین بیویها طبقه می‌اندازند  
پس خواهانهایند.

ظبطانه این نوع برخورد به سالان محدود به اینسان  
طبی و حزب نموده نیست. بسیاری دیگر از گرایش‌ها نزد اگرچه نه  
بد لایل حزب نموده و نه نظری حزب نموده اگرچه اینها در مصل  
را به این معنی محدود نمایند که باید از بحث مسائل اخلاقی می‌گذرد  
کرد. با این وحدت محدوده ای بخورد. بطور حال در رسالت "مدد" -  
تین و نهایت کوئیستهای ایران در شرایط کنون "چند آمد" است:

پنجه ملطف و لطف کوئیستهای انجام رسالت که مفعون مدد -  
تین و نهایت کوئیستهای ایران را تشکیل می‌گذد میتواند لطف  
حرکت گروههای کوئیست باشد. نهین چهت احتقاد دارم  
که تایید موضع گیری در مسائل جهانی و اخلاقی در جهش  
بنی اسرائیل کوئیست می‌گذا و مخور حرکت ما باشد. در تراپیط  
کنون جامعه کا، موضع گیری جهانی در جهشیمن اطلس  
کوئیست، نکن با این وظایف بزرگی که در تقابل با قرارداد  
یجعل نهایرد. این موضع گیری بز آنکه اخلاقی اخلاقی در گروههای  
کوئیست را در داخل کشور تشدید کند و مخور حرکت ما باشد. در تراپیط  
کنون جامعه کا، موضع گیری جهانی در جهشیمن اطلس  
کوئیست، نکن با این وظایف بزرگی که در تقابل با قرارداد  
یجعل نهایرد. این موضع گیری بز آنکه اخلاقی اخلاقی در گروههای  
کوئیست را در سازه نهایتی که در سازه نهایتی می‌گذند که دارای موضع  
گیری با احسان مستقبلات کامل و ناوار شود و از دینهای روحی می‌گذرد.  
برهیت شود.

اختلاف نظر در موضع گیری در جهشیمن اطلس نایاب  
مایع بودت مثل آن گروههای کوئیست شود که در مسائل  
داخلی و مسائل خارجی اینها محدود نظر دارند.

ما توجه شرایط موجود در ایران و وضع گروههای کوئیست  
و مسائل سیاسی و دینی‌هایی حال و آینده جهشیمن ایران  
خود از این نظرهای موجود در ایران و وضع گروههای کوئیست  
مسائل موجود در جهشیمن اطلس کوئیست بخوبی می‌گذارند.  
مخور حرکت خود، خود داری گند.

(س ۱۱، طایید در اصل، جای انتشارات ۱۹ بهمن ۱۳۰۰)

در اینجا اشاره نمی‌شود به اختلافات جهن و شوریون در این  
مت تاریخ تکارش رسالت ۱۳۶۱ است. اول بهر حال از دو  
ن بپرورد اشتهاه است. یعنی از همان جهه‌ای که قیلاً اشاره  
نند، یعنی توانلی سیاسی برنازه ای را شرط وحدت در عمل می‌بندند  
چون چنین توانلی پوچخ دزهین کارگرها می‌گذارند. همچنان  
برای حذر از لطف به این وحدت پیشگاه می‌گذد که از بحث پیرامون

هدت و بدیویلند هدایت را بر هنرمندانه بست و انحرافی اخلاقیه  
روپرتوسیست و غذاء سطایلیستی از دیگران چون تئودوروفستها (تئودر)  
سازند " ( من ۸۳، تأثیر از ماست )  
از تئودیات " ایرانی " هم‌الال که بگذردم — هنرمند سنت خرد " —  
پیوای ایران که در افرادیت پاک‌الهای " فریگن " خانه خرابی  
نمود، هم‌الال هم‌سازمان‌های سیاسی را بر سبب می‌لایت آنها نظیرم.  
نیزی می‌گذارم. به دو دسته سازمان‌های اینحرافی و سازمان‌های فریگن  
ز اندیساویلند افراز " مارکسیست‌های سنتقل " بیش از اینهم نیزه‌دان  
محروم بود — حرف هم‌الال در اینست :

مبارزه استالیزیزم و تروتسکیزم یا "دعوای دسته بندیهای تروتسکی در مقابله دسته بندیهای استالین"؟

برخلاف سایر کتاباتی که طی مقال بدان اشاره شده، و میتواند  
سکونتگاه های را وارد چهارمین و پنجمین انتشارات روزیه که سرانجام  
نامهای تر و دست دوم مهدلات قدیم اسطالهیزم علیه چوتویکیت هاست  
کتاب "سرمه طل ساره" ۵، دست دلوان "نائلن" دیواره اسطالهیزم و  
آتش اسطالهیزم، "پالم" مسعود نیکانم، بنظری مرسد که با هدف  
"واکیهند" کردن افتخار در پیرام "عطر چوتوکیلرم" نوشته شده - بلکه  
برخشن، نویسنده بقول خود از آین درینجде که ساله اسطالهیزم جزوی  
از مسائل اعزام اقلاب ما و همه اقلاب ما است این چیز را همچنان  
که نکند [رجوع شود مصطفی نیکانم را، البته نه بهمان ترتیب و با همان تفصیل،  
ما ایند صحت نیکانم را، البته نه بهمان ترتیب و با همان تفصیل،  
در اینجا خلاصه کنیم، نیکانم در حق این کتابه بثبات از "اعمارا" - آثار  
جزب گویندش شوریزی] "بنویسند در جامعه شوریزی" آثارها  
از مارکیسم شوریزی، "اعماراها میهمت شوریزی" "اعماراها طلبیم  
اسلطان" "اعماراها زبان اسطاله" و نظری آن صحت نکند، ولی  
در همین کجا دقایقی روشن نی کند که مذکور از این "اعماراها" -  
چیزی؟ ناید نیکانم چنین فرق نکند که ماهیت این "اعماراها"  
بر اثر خواندن گات روشن است و فهم شترک از آنها از قل و وجود آور.  
اگر چنین امت اشخاص بزرگ است که تطبیق شود را در بینش خود  
نیکانم هم نشان نی دهد - خود نیکانم در پیشینین صفحه اول مقاله اش  
چنین توضیح می دهد که "ذه ها سال وحدت گاذرنی در زمینه مسائل  
اید چوتویکی مارکیسمی در جهان حکم برداشت" هر صدای تقدیم ای  
با روح چسب آتش سوتیم و آتش گوئیم "واجه گشته و منسوز  
به گوش گشیم نرسیده، غله منشد" اس! اما این حساب واضح است  
در مردم سائناهای که طای دیروز بخت آن "طعو" بود و نهاده این اواخر  
"استان نند علی و برخورد جدی" با آن فراهم آمد، چنین فهم  
شترک وجود ندارد و لازم نی بود که نویسنده روشن نکند که بمنظور  
او آن "اعماراها" اصولاً چه بود و چه است؟ بهره حلال، بنا یا سه  
نیکانم این "اعماراها" هرچه که مظاہر است و بعد روشن شمر  
خواهد شد، در زمان نین هم در جامعه شوریزی وجود داشت و خود  
لذهن ند عهده با آنها معرفت بود بلکه طای آخر عمر پیشتد با آنها  
جاریه نی کرد. ولی هر چه روز در نین ماتع جمیع در حجازه با آنها  
و لوهذا رشد آنها گردید (صفحات ۱۰۰ و ۱۰۲) در کذنه مهارات  
فراری و یا گوشی طبیه این "اعماراها" مکمله شکست بود نه  
زیرا که همانین نایابی از پیشوایانی ای اعمار طوسی برخورد از آن بود -  
(من ۱۱) "پولن" نین، دست ظاهیریک سلسه عطاون که نیکانم از  
صفحه ۱۰ برین شعر و چندی از آنها را با خصلت تربیت نی کند امکان  
نک علی و برخورد بدعی با روایت و شرایط همه جواب - وبالطبع  
با همه تخفیف ها - بین هزار از هزار و بحدود دارد (من ۱۲) -  
خطهون در این برخورد باید متوجه بود که از جاله به چاه تهدید،  
بعدن تمام معابر، ملاد و نشان ما را به یکه بسرد، اسطالهیزم  
محضوب نکرد - فقط آنها که از سطیل تخفیف جامعه و روایت و شرایط

شیوه هستاد و نایابی رشد و تحکم پورگارا می داشتند و آنها مصطفی  
یک فرد تقلیل من دهد - مذهبی قدر لین - بخلاف اینها همچنان چهار  
وین الطلاق چهارم که مقده هفتم را در رشد و تحکم پورگارا داشت  
نمیتوانستند طبق مجازات دهد پورگارا را نشست اتفاق داشتند و اینها  
و مخصوص شنیدن اتفاقات ۱۹۲۳ آستانه می شاریدند ، بنایه نیکات منیر  
زود رس لین و تمام در جا راه با این "اجرافات" را اگرچه نه بخوبی آشنازند  
بود که رشد و تحکم این "اجرافات" را اگرچه نه بخوبی آشنازند  
با اینکه مجازات دهد پورگارا هم در داخل جویی  
و دو ولت شروری ما مرگ لین بنی ای اقبال تنون رهبران خود را از دست  
داد شکن نیست - ولی بنایه نیکات پس از مرگ لین د رام جایزه  
 تمام شد - عواسنده متوجه ماند که جزو بشنویه جایزه حسنه  
اتفاقات پورگاری بود که با مرگ یک رهبر آن مکان از راه به همراه افتاد +  
چگونه بود که همچنان خشند پیری از رهبران خوب که نیکتن اتفاقات  
پورگاری را بد پیروی که ای اقبال خود این "اجرافات" بود ازدواج  
جرأت مجازه نداشت؟ از رهبران جزو که پیکاریم از هزاران هزار  
شلو حزب پلشیک ، از آنها تنون کارگران و پوششگران اکه از جان توجه  
عن طایف گذشتند ، از اینها هم همچند اینکه مجاز مجازه  
رشد این "اجرافات" نهادند + چگونه این حزب اتفاقات نا مرگ یکه  
رهبر پیکاره دستگیری شد ؟ فراشند این دستگیری که بود؟ ایده و ایام  
نیکات در مکالمات بعدی خود به برشیز ازانیں هواب دهد - مذهبی  
در پایه باشد اشاره کنید که بینت ملت جنون برخورد خواهی داشته  
وی چهست؟ بعید می نظرد که ملت این پاکش که نیکات واقعا از میا-  
ضع خوشیک وین الطلاق چهارم را بخورد استالیهیزم از اعلام است-  
و گردد چگونه به چنین قضاوت کاظمه ای رسد؟ که "رعای احنا-  
لینست ها و توصیکت ها که همیک از دیگر زاله ای مجازه  
مارکیست-بلنیدیست ها بیرون ندازد" (۱۷) - ستعلی در اینست  
که خود نیکات هم تحت همان شمارهای "نکریکند" ، که میدانی  
اشاره می کند ، لازم دانسته که فاعله خود را با توصیکدم ، این  
"معهیت گوره" د رام ما ، حفظ کند و برازی بست استالیهیزم از اراسی  
پنجاه سال اخیر جمیعت چشمکارگری چهش زد + و بدو ران اهل ازرب  
لین رمحت گند ، اطباری اینکه چشمکن چهش زان یعنی فوجیه بدانند  
مازارت اینها همچنان چیز طبی رشد و تحکم پورگارا و بعد مجازات  
اینها همچنان چیزین الطلاق وین الطلاق چهارم طبق اسطالیهیزم بنایه  
به "د" هواهای این بیط استالیهیزم ها و توصیکت ها" تقلیل سایه  
من باشد مجازات هزاران هزار اعشار حزب بشنویه در همه ۱۹۲۰  
محاکمات سکو و کشتارهای اسطالیهیزم مسنه دعوای "دست بدی های  
خوشیک در قابل دسته بندی های اسطالین" تقلیل باید + آنکه  
نیکات از غل نکردن در بود نکنند فرد در نامه و تحلیل شنیدن ، چنانچه  
و روابط و شرایط آن هم صحبت می کند!

۱۵۰ در درجه اول این سوال طرح شود که حال درکشی که این اینحرافات رع داده، چه باید بود؟ اگرچه نیکام آنکه می‌گفتند که "لله سائل ما را می‌سأله می‌ستند" (آن) کار و دلخواه نیکام دنباله استانیم و آن استانیم حق اشاره ای نیزه این سائل تعلق نمی‌گیرد. ولی مهتر از این امثال، ایست که برای نیکام سائل استانیم سائل" اینحرافات آنست که اگر ما از امور خوبیه ای که نیکام متن است در فرد ای انتقام بدهیم، آن دچار شویم. اگرچه آن پاشم متن است در فرد ای انتقام بدهیم، آن دچار شویم. اگرچه خود نیکام آنکه "آن سائل" سائل غیر ای با نیستد بلکه

آن هایزمن ماند به چنین روش پیومن می شود: «بمقدار نیکاتام یعنی اوزیران گرامشها بروکسیست ها هستند که بقول او فرشته خود را کسی را برای جانشین دیو استالین آزاده دارند. بنابراین نیکاتام بدلیل خروکسیست ها اگر استالین به قدر ترسیده بود، اوضاع بر واقع مراد منشد. بروکسیکن با دو رایت می نظری و غیر میخواست قدر بود که همه مسائل جامعه را حل کند. همچنان مکان مادری وجود نداشت که در طبقه اول ذهن بروکسیکن طاب طاقت داشت باشد. اثیکال کار ایدست که دسته بندی های بروکسیکن در طبقه دسته بندی های استالین شکست خورد (صفحات ۱۶ الی ۱۸).» برخلاف آینان، بعقیده نیکاتام، باشد به این ساله بپردازیم که شرایط جامعه شوروی و جهان چه بوده اند که مقاله بیرون و رشد چنین اسرافاقی را بدادند (ص ۱۸). اگر چنین برخوردی داشت که بین کدامیم، به این نتیجه می رسنده که تولدی جامعه شوروی از این معرفت کاپیتاالیسم کلاسیک، لااقل بعد از تولد ار تووس کاپیتاالیسم است. یعنی استرتوکورهای اساس سرمایه داری حامل تغییرات آن است. و نیکاتام و ده مدد که این حکم را با یک تحلیل مارکسیست نایاب خواهد کرد (ص ۱۶-۲۰).

از این حکم نهایی مطالعه، که مانشطاً همان چشم براء انتهاست آن هستم، و سیاری دیگران اشارات غیر مطالع روش من شود که در روابط حلقوی نیکاتام از «امدادگات» همان است که لذین در نویشته های سال های آخر عمر خود، و مدد ها بروکسیکن و اپوئن-مون چیز و چنین الطبل چهارم، از آن تحت عنوان «ناهنجاری ها و ما نواقل بورکاتیک نام ببرند» اند. بنابراین نیکاتام تنام مبارزه خوبه این ناهنجاری ها و امتطات های توکراییکه پس از مرگ لذین شجریه رشد و تکمیل آنها و در دروده بعده ایلکتار ایله در این مطالعه منون فراشند این رشد و تحکیم و نظم و تدبیر کلیک در این فراشند مورد بحث قرار شرکته است اما مجرم برقا زن مساقیت از تووق کاپیتاالیسم در شوروی شد. نا فعلاً پاره بحث صحت یا سقم این نظریه من شده، در مطالعه بعد رادر شماره ۱ اند و مطالعه به مکات اصلی این بحث شناسه شده است. ولی برای اینکه در این بحث اختلافات واقعی سیاسی روش شد، و این اختلافات در پشت کاپردر خوده های مظاولات لفظی آشکده نگردید، ایده و اینم نیکاتام در بحث خود به یک مسأله پاسخ روش دهد: از این نتیجه گیری وی در معرفت «نوع کاپیتاالیستی» شوروی چه ترتیج علی در مورد مطالعه اقلاب در شوروی و کشورهای با ریتم های شایه خیز می شود که با خالقی که یعنی انسان چهارم و انسان بیرون از اینکه خود تحت عنوان انقلاب سیاسی در این کشورها طریق می کند، مظاوات است؟ در رابطه با دفاع از این دولت ها در طابل هرگز خود حمله اینها بمحبت چه نتیجه مظاوق میگیرد؟ ایده و اینم این هنگام سر عمل از طبع این معمار سهما مطرد برای سمجده ن ساخت و ستم مواجه نیمس اتفاقیان گند.

وئی قبول از شروع بحث اصلی طن، مذکور یک تکنیک را لازم دارد که  
نهایتگر که خود درباره "ضرورات" دروان تحمیل و غفلان" و "ضرورت  
برخورد" چند و نهاد طعن "داد سنن من" دهد، از تحریر و کسر  
آشکار درباره "مواضیع و مکان" و توکیست ها درباره "اطلاع‌الدین" همچو  
ایران بدارد - بد زم و می توکیست ها همه مسائل را در شرمن  
اطالعین خلاصه می‌پنداش و بنا به آنان اگر "دسته بندی های  
توکیست در طایل دسته بندی های اسطالعین" شکست نخورد بودند  
اوپاچ بر واقع مراد نشد (اصفهانیت ۱۷ و ۱۸) \* مر خوانده است ای که  
کوچکترین آشنایی با نویشه های توکیست، آیین‌سین چوب و پیش  
الطل چهارم درباره "اطلاع‌الدین" داشته باشد که این مسئله  
نهایتاً در رست و رزویه و القعده است، خود توکیست مکرراً در مطالب و کفر  
محمد به تجزیه و تحلیل ماهیت دولت شوریو و غل بروزی بورکارا  
اطلاع‌الدین پیدا اخت، و بارها دفایه بهمن سوال رایخ شخمه  
داد که آیا بروزی بورکارا در شوریو را تقدیم شنخمات فرموده  
اطالعین و اسماز رهمان دوبلت شوریو بود و یا را تقدیم شنخمات  
جامعه شوریو و تابع نیروهای طبلقان در مطلع شخمنی از فراز  
انقلاب چهارم، که گفتن شوریو از این نویشه ما بیان نیز در جمیع شد  
است (خلال چهارم شود به ماهیت طبلقان دولت شوریو و دولت کارگری)  
ترجیع و میانجای تغیر، انتشارات علمیه، مرداد ۱۳۹۴، ص ۱۰۶-۱۰۵  
در اینجا ترجیع میکنم که نویشه کوتاه دیگر را زخمی را نمی‌دانم اما  
حاله من نیکم (استلطانی چاوهون آیین‌سین را نکست داد) \* در  
سکت، این نیکان است که با طبقه هزار و داده های شدید باره لفظ

شان داده و در پوشه های توریک نزد پارچه قرمه خود ، ۲۷ این  
 قرار دید : ۱- بین سند نظام بوریاگان و آنفلون و سرد رگس طبلت  
 حاکمه ۲- نارخابیں میق و میم خرد بوریاگان و دیدنیان راه حل  
 پنهان ای بودن این افتخار ۳- آلام بوریان از این اوضاع نهاده ای  
 تحمل و آنکه وی برای سعادتمندان ، ۴- بزرگ روپروری  
 سکم از جانب پیشگام بوریانی دوچار نهاده ای از اوابد قلن بسته طحال  
 دوچار جنگ و اتفاق است به این معنی که بحران های منتهی از  
 تهداد های در بین خود سیستم سیاستهای اداری جهان مکثرا به نهاده  
 اولن تعقل پنهان است ، مکثرا بحران اجتماعی دوچار نهاده آن تکروه  
 چامعه را به دوچار اتفاق بوریانی با بینیت کشاند است +  
 آنکه که مکثرا فرمت های اتفاق را به شکست کشاند + چه درکشید  
 های شبه مستعمره و مستعمره ، چه در کشورهای آمریکا و ایالات  
 در سالهای اخیر در دولت های لاگرگی باقی اخلاقی تغییرات تغییرهای  
 ایجادی شرقی اتفاق نهاده ای است بایل خودشکن ، شرطیت  
 میان لازم برای اتفاق بوریانی نه دهندا رسیده اند ، بلکه هر چیز  
 شروع به کند بدن کرد اند + بدون نک اتفاق سوسیالیست ، آنها  
 در دوره ناریخ آن ، فاجعه ای تا خود رفته شدست را بمنظیر می  
 انداده اند ، اینکن نهاده بوریانی است ، بعنده بیشگان اتفاق را  
 بحران کاریک شدست در سیاست رهبری اتفاق خلاصه شد ، است  
 ایجاد اتفاق بوریانی اتفاق سوسیالیست ، پادشاهی در پرس ، ۱۹۷۲ ،  
 من ۲۲ - اکتوبری ، و مهدویین موافع مردم راه حل این بسیار  
 ناریخ ، بعنده مهدویین موافع مردم راه انتشار و پیروزی اتفاقی  
 جهانی ، رهبری سلطان رفرین منطقه کارگر - سوسیال دیکراسی -  
 احراز سلطان کویست - اسطالیزم - است . همچنان رهبر اتفاق  
 سوسیالیست میباشد مانع رهبری های بوریانی اتفاق سوسیالیست را هم اضافه  
 نه ، ولی هر چیز در حام مواد سلطنه رهبری های ناسوسیالیست داشته  
 اش از خیارات های اسطالیزم بود داشت ، خلاصه سلطنه کشیده  
 رجیش بوده ای که کند نهاده نهاده نهاده ، پرآیند سقلم سیاست های  
 مرب بوده ، چه در دوره قدری اتفاق سازشی داده و چه در دوره بعدی  
 کل پنهان کرد نه بجاورد بوده ای ، بود مزبور ناصیحت برجیش کند  
 ی عرب را سیاست احراز کویست فرب ، پسکویی پنهان کرد نه آنها  
 نهایه های میهوند و بعد این پنهان شناختن داده اشراحتی  
 بیوی از سیاست بوریانی شوروی ، مکن ساخت +
 برای روشن غردن حلقه چند خال اخیر را در نظر گیریم + این  
 در چندین نهاده ای این اتفاق شرایط بحران وجود دارد + بطور مثال  
 بطالها + از بحران شدید اجتماعی و سیاست سالهای ۱۹۶۸-۱۹۷۰ داده  
 بحال بوریانی ایطالیا موفق به تحکیم سلطنه خود و استقرار یک حکومت  
 با ثبات نهاده است + بوریانی بزندگی خود را مکثرا در احتمالات  
 و سایر میزان اتفاق نهاده است + بحران اجتماعی چنان جامع شده  
 که در جامعه ای با چنان بدو سیق مذهب کارگله سائلان تغییر  
 اتفاق و سلطنه چنین سال روز و سال قطیعه عده افتخار اجتماعی  
 شده است + درواقع آنچه که به بوریانی اجازه یافای سلطنه را داده  
 نه توافقی وی در حکومت برجامعه ، بلکه تاچوان بوریانی در رعایت  
 راه حل خود به این بحران بوده است + و این ناوان دلیل است  
 در سیاست جزب کویست ایطالیا و مزبور این جزب بوریانی را ایده  
 نهاده است + بدن سیاست "صالحه تانین" جزب کویست ،  
 که اینکن بعد این به تغییرات اتفاقی میباشد و در این راه موجبات تغییر  
 در حکومت شده ، ادعا میکنم معرفت این سیاست هم نهاده است +  
 برای اتفاقیون ایطالیا سائل اسطالیزم بعنده سائل در فرم شکن این  
 هزیون و ساخن رهبری ایطالیا اتفاق بوریانی ایطالیا + بعنده  
 سائل بدان این مانع از سر راه بیرونی اتفاق +
 و افزایی اتفاق شلیل را طبق آنیم از سال ۱۹۷۲ تا  
 توده ای ، بود که از بحران بیرونی اتفاقی و ابتکارات اتفاقی  
 سایه دادست + پس از پنهانی آنکه در انتخابات ۱۹۷۲ شرایط  
 احرازات بوده ای چنان بود که بوریانی شلیل چاره ای دادست جز آنکه  
 به بوری کار آمدن حکومت "اعمال علیق" آنکه در نزدیک داده ای  
 از نظر خود توده ها تغییر سادعی در جانب بیرونی بود و دیورن از  
 ای از اتفاقات ها و میزان ابتکارت داده ای را کارگر + دقت فضیل  
 این میزانه ، حکومت آنکه خلیل سیع تراز آنچه دیوانه ای بود

مسائل امور زما و مسائل امور زمان اتفاقیها میباشد این ۵۰ میلس  
 ن را نه از این تصریح کرد که امور زمان اسطالیزم مانع طایفه است  
 سیاه بوری اتفاق جهانی ، بلکه از این نظر مکثرا که اگر این  
 مسائل را بیروس نگیرم و از حال بیوس بیشتری در تقابل این  
 امور افتخار شد "آنچه بصل غایبم ، مکن است فردا به جان برسن  
 یکنون کاش سر چشید را به بطل میباشم (من ۲۴) + خلاصه بگویم  
 اگر بدوا همین به سرویش تزویی [نوش تایپیسم] دچار شویم ،  
 بد هرمان با حل مسائل فعلی اتفاق خود ، ما همیشی کوشی جای میم  
 بوری و نهاده های امور اتفاق را دیگریم و از آنها در آنکه کنیم  
 حق ؟ + دقتاً به این دلیل است که هنکام سائل احتمالاتیز  
 بیوری میگی از "کله مسائل اسطالیزم" میبیند که ما هم باشد  
 هرمان با حل مسائل فعلی اتفاق خود ، اکه قاده از نظر نیکان  
 نوکه ای کامله ایدا و سطل از اسطالیزم است و گردد حل هرمان آنها  
 این سیوت طرح نی شد از شاخت آن بگوییم و کل البته چون  
 من سائل چنان اتفاق میگیرم میگیرم داده این بایسید در  
 طبع میگویم و معتقد میگیرم داده این برسن باسید در  
 دیداره که میاده دزین مطالعه بقیمت غلت از بیوس مسائل جامعه  
 دیداره بوری کنیم (ملفات ۲۲-۲۴) + حال این "حد داده ای  
 معمولی" ، این تعداد بین مسائل فعلی اتفاق بوری اتفاق و مسائل که اکنون  
 بد طالعه نیم که جاده فردا به آن دچار شویم را چنده بایسید  
 بین کنیم ، برشن نهاده +
 اشکال اساس این فهم از اسطالیزم دقت در ایستاده است  
 بقیم را میگوییده ای برویه به دزینه + پس از بیوری اتفاق سائل  
 بوطیه مسائل جامعه آیده در حال اکه از بیوس ایلیز میبیند  
 ال آنکه برای کویست های اتفاق ، سائل اسطالیزم بیوری سائل جامعه  
 بگوییم با شکست اتفاق ، بیوری سائل فعلی اتفاق ما ، بمنظر  
 نهاده نهاده بیوری معاهم که میکن است در آیده + درست که هرمان  
 را شود ، بلکه بیوری مانع برسر راه نهاده ایشون و بمنی  
 هرمان ایزرات طبقات ایله +
 همانطور که در بقیت قلی اشاره گردید و بعد این مصل در بحث  
 با همین ترد و شکست بیوری اتفاق دارویا پس از جنگ جهانی اول ،  
 بات طیم باش ای از جنگ داخل در رویه ، هب مادگن گلنس  
 اصادی ، اجتماعی و فرهنگی این کشور ، خبری به بید ایشون و همکن  
 رکارس و غلب قدرت سیاسی توسط این بورکارس از شوراها شد +  
 هرمان با انتشار این فرامد ، سیاست کل دلت کارگری از چشم انداز  
 اتفاق جهانی به "ساختن سوچالیزم در بیک کشور" ، از بسط اتفاق  
 آسیا و اوروبا به حفظ شرایط موجود و دادارا با بوریا کشورهای  
 بیور کرد + بدینجا ، اینکه ناگاهانه و در عکس العمل به فشارهای  
 بوری و سوس ایگاهانه ، تقدیم حزب کویست در سایر کشورها بمجای  
 هری ما زیز طبقات در این کشورها و برای این این سیاستهای داری و کنک  
 د و این که بوری ای این طبقی ، اعمال فشاری بوریا کشورهای  
 بیور کرد + بدینجا ، اینکه ناگاهانه و در عکس العمل به فشارهای  
 سیاستی ای این طبقی بعنده شرفت جانزه طبقات را در سطح جوان  
 ز جهه در خود شوروی شایع حفظ میگردید بورکارس شوروی قرار  
 دن است + ولی این تغییر سیاست ، میباشد در سطح اید بیوری کرد  
 توجهی مارکسیست میانی بیاند و در این راه موجبات تغییر نهاده  
 تغییر اید بیوری ای اسطالیزم سوچالیزم دویک بیوری ، اتفاق دو -  
 مله ای ، بحاسه جمهوری طبقات و سایر سیاست های ساختن طبقاتی ،  
 الاخره هیچیش سائل آیده و سوچالیزم از طبقی بارانیس ،  
 پوشان "مارکسیزم-لیکیزم" رسی ، با کلیه به اعماق اتفاق اکبر ،  
 یعنی ملکرد احراز کویست اسطالیزم شد + از این دوره بعد  
 ای احراز کویست در بوارد خمد دیجای رهبری جهانی طبقاتی ای  
 تغییر مسؤول شکست فرمات های اتفاقی شدند + بعض تطبیح احتماط  
 فراهم داشتند و دلت کارگری شوروی میگردید و به مزهای ایمس  
 نهاده ، بلکه از طبقی نهاده کمیون در جهش جهانی کارگری ، و از  
 حق و صریف و شرب بیوری اتفاقی ، احراز کویست نهاده در این بیوره  
 مطابا ایمان صدرکار تجهیزات اتفاقی طبله کارگری بکن از مهمنه  
 بیور راه بیوری اتفاق بیوری که دیدل شدند +
 ساخت ایام ای اتفاق بیوری که تجهیز تانیش مکررا

جمهوریه اجرای پیمانی اصلاحات شد، که بهمین خود قطعن شدن  
جاسمه را تشدید کرد + بولواری شروع به سوسان مان دادن اوضاع خود  
و مستحبون راه های تدارک ضد انقلاب کرد + دسته های افراطی خدا  
به سازماندهی گروه های ترقیتی شدت اتفاقی برداختند + در سراسر  
این سوابست بولواری، اجزای سوپرالیست و کوبیست شیلی از "راه  
کاریون بینت سوپرالیزم" سخن می راندند و "احترام تمثیلی ای انتقام  
برای قانون اساسی" و "بسططری بودن ارضش" را می متقدند + ولیس  
هریم باشایی این اجزای در دست نزدیک به دستگاه دوقل بولواری  
هزارزات خود + ای خود همچویه ظهور نطفه های ارگان های قدرت  
بولواری شده بود + آگوئن های سمعنی و توکاندهای محله ای ام در  
تبلیغ این چنین قطعن شدن جاسمه و تلهور اولین نطفه های قدرت  
دوگان و همچنان "اعداد غلظ" از رعیران ارضش می کردند که با  
پوشش به حکومت راین "اعتشان" میانیان گزی گلند و بدین ترتیب  
راه را برای ضد انقلاب سپاه ۱۹۷۳ می باز کردند + راه تاکنین به  
سوپرالیزم" تبدیل به "راه تاکنین به ضد انقلاب" شد + از تلسر  
تمثیلی ای اتفاقی در شیلی ساله استانیستم او را بزم ساخت + همین  
سال شیلی شکست نایسته ای اتفاقی داشت.

حاطیانه مثال انقلاب‌های شکست خورده و فرست های ازد است  
رفته در طن قرن اخیر عزیزند - انقلاب دوم جون ۱۹۶۰-۱۹۶۲، به عویزی  
فاسق‌زدن ایالات ایالات ایالتیها ۱۹۳۲، املاع انقلاب کسی  
پس از چنگ چهارم دوم هم در آرزو و هم در رسایر از تکروه‌های  
مستمره و لیبه مستمره از جمله ایوان و پیوان آیده شکست  
انجامید - اینها آن حمایت‌های هسته‌ای که نایاب از آن بیاوزنند  
خود مان هم بجدی برآور - "بهم من سربیزش دار شویم"  
واهیت این درس آموزی در چیست؟ آیا به این خاطر است که  
تویوچیکیت ها گفته، فردی طبقه اسطولین اراده؟ یا به این طن است  
که مل خوشان می‌آید بر سر "شویای سر رفته" "جنجال برا" بیندازیم  
و با تابع نگاران و سوسان‌هستدم که میخواهیم "کنایه‌کاران" "کاریخ  
برزای خود مکون شوند؟ اعیت این درس آموزی، فقط از این نظر  
قیستیکه اسطولیخیم سویل نازیش این شکست ها بوده است، واهمیت  
آن فقط از این نظر نیست که هنوز حق پس از دادن به بخت‌ران  
شدید شود، ای طبله کارگر هستند و در این موقوفت اند که به چارزات  
احزاب تولد ای طبله کارگر هستند و در این موقوفت اند که به چارزات  
طبلاتی لطم های شدید وارد آورند - از همه اینها مهمتر، در شرایط  
عملی، ایستگم که این سلطان طبیعی اسطولیخیم در پنجاه سال اخیر  
بر عینش چهاران کارگری و کوشش این بورکاریا سر توجه سیاست های  
قد انقلابی خود در پوشش "مارکسیزم-لنینیزم" و با طبقه به اعتماد  
انقلاب اکبر، بدان احتساس در شروع انقلاب، در دست آورده هستی  
جهنوبیات انقلاب چارز طبلاتی در سطح جهان، بوجود آورده که:  
املا - حد و شده ای که احتساس این موقوفت اند -

و هنار که همچنان استانی بودند شده و در طری فراز اقبال در پل بر سر  
سالان گردیدند که بالغور جلوی راه اقبال بود با همراهانش خود  
قطع را بسط کردند و موساده اقبال را که گفت قدرت سپاه به پیروزی  
رهبری کنند [مهمن حواله های مرد نظر اقبال سوم چون و اقبال  
و همان است] - از آنجا که این اقطاع بطور تجهیز، قدم به کم و حتمت  
استوار شرایط هیئت موروث گرفتند، حق این احزاب که داشته هم توواسته  
اید چندکه در سهای اساس اقبال خود را بروشن عرضه کنند و این  
اقطاع را آلاهانه گشترند هند و در توجه از همکار سو توواسته اند  
آن مقصی و آن بالقلل می خواستند و می بایست در اینجا رهبری های  
ایرانیان بیولوژی در سطح جهان ایضاً کنند بجهود پیشگرد [ظاییه]  
کنید متش رهبری حرب گویندند چون را در رکن آلاهانه به ساختن  
رهبری اقبالیان در سطح همان می تقى حرب بشنویم پس از پیروزی اقبال  
اکثیر و پیشگویان کناریک همچنین او از اسوی ذیگر اگرچه قد اهل اقبال  
سویاً همچنین - یعنی گفت قدرت سپاه سه سطح می - را با موقوفت  
برداشتند ، ولی راه را برای احتفاظ بعدی اقبال بازگردانند +  
امتحانه اقبالیان را چون آن در نتائج احتفاظ +  
ماخواسته دن "کجا درین خانه دیران می خاطست" -  
و ناتوانی - و این مرد نظر بحث فعلی ماست - این تحریر و خوب  
ذکارهای تجهیزات مازنر طبلاتان - با اتفاقه به اعیان اقبال  
اکثیر - چنان از صیل - گذاشتند که حد کوچه های راه خود که امساكه

پس پیشمرد همایره مرواری آن خواست مشغول نکرد. این اتفاق است  
ایندانی که تئاتر آن اخراج به مارکیوت بود. هم دناره. آنها  
در دستگاه امنیتی مراقبه ها اخراج است امن فرقه و میدان است. لذا متعاقباً  
آن طبقه هایی که مراقبه های داخل جمهوری را در پیر گزیده تخلص  
طیباً نمی کنند این تواند تئاتر نیووهای واحد را مراقبه های امنیتی  
ندازد و بنا بر این حواله آن بناهای واحد را مراقبه های امنیتی  
در مرحله دیگر اخراج کند این اینست که این نیووها در پیر جمهوری  
از عواینه محمد شوید. سعی کنید باشد که طالب ساده از اقامت  
شرایط ایران این مسأله را پوشش ندهم. بن شک همه کنایش های امنیتی  
که ظرف از این پوشش برخاسته ای اقلاب مستعد قبول دارد که تئاتر  
ارض ایران از تئاتر دیگر اخراج است، جزوی است از "برناهه  
دیگر اخراج". و قابل حل در "مرحله دیگر اخراج" اقلاب و با اتحاد سایر  
نیووهای هنری در "جهه دیگر اخراج". ولی شرایط در روشهای  
ایران چیست؟ طایف آمار زیست خود دولت ایران در پایان سه مرحله  
اصلاحات ارض پیش از ۷/۵ میلیون خانوار زمین های کشور را مختار  
دارد و حال آنکه حدود بیست هزار مالک هنری پیش از ۵ هکتار  
زمین در اخراج از این دارد و بازهم طایف ملکیت دولت دهستانی که نظر  
از ده هکتار زمین دارد و بخصوص آنها که نظر از ۵ هکتار زمین  
دارد حدود ۲۰ هزار معاشر خود گشت می کند، بعضی مرا نیز  
نمیتوان از هزار مالک هنری که کوچک زمین می گذارد این طرف دیگر طایف افقی  
از زمین های بزرگ را واحد های واقعی کنایه و بدن انتقامیت تخلص  
می دهد و انتقام از جل طایف ارضی را پایان دادن به چنین اوضاعی  
هزار و بیکم انتقامات "النون اصلاحات ارضی و ملة بازی های ادایی  
و غیره هنوز مشکل سایق براز خود نموده است اند" واجح است که  
یک جبهه ای اساساً از جل طایف ارضی را پایان دادن به چنین اوضاعی  
است و این همانجا از حمل خواسته ای مخفی خود شد شان، براز سان خود شان  
زمین این راه که براز خود دهستانی نیز را مخصوص و مخصوص است  
شعب زمین های بزرگ تئیم شده و توزیع پالایشی این بین دهستان است  
و بن شک در دوره بعدی این مبارزات طایفی دز ایران این مسأله  
طرح خواهد شد. ولی در همین جا این اکان و مود دارد که تا بنین  
"نیووهای دیگر اخراج" اصطکاک خالق خود دهد. در ایران، نظری  
اکاف شکوهی شده است همچو از طبقه ساده و مخصوص و مخصوص است  
و بالعكس از جبهه سیاری از آنها که بتویزایی می شوند نام نهاده.  
شده اند. بخصوص که اخیراً برش گرایش های این زمین های ایران از جبهه  
طریق ارائه بزرگ و بین تحریک به این نتیجه رسید اند که خلوف رشان  
از "بویزایی می شوند" بین تحریک به این نتیجه رسید اند که خلوف رشان  
ولی سیاری از این بتویزایها زمین داران "له سیار بزرگ" هم مسدد  
در نیمه باحتفال قرقی با افعی مبارزات طایفی دهستانی دو راهی سیار همکنون  
سیار علی طرح می شود که آیا دهستانی حق دارد زمین های خلق  
به زمینه ارائه این طبقه سیاری از طبقه ساده و مخصوص است  
آن سازمان تئیمی که خود را در راهی بروج تشکیلاتی و بروج ای مر-  
حل "دیگر اخراج" اقلاب می کرد است باشد که در وراهن سیار همکنون  
بررسیت: یا باید با پیوی از گرایش های پیشمرد مبارزات طایفی  
آن چارچوب را پشتکنند و دهستان را به شبکه زمین های رعیتی کنند  
و با باید جلوی مبارزات طایفی را بگیرد. و از این قبیل در طرف  
سیار دیده ام. نظری هم است هر چیز که درین دوره از  
الملاز چنین که با تعمیم اصلاحات ارضی در زمین های "قدامه شده"  
نیست ها "متاخت کرد" و این حالا غرض نکنند که حق چنین احتمالاتی  
هم رخ ندهد، بلکه این حق که اصلاد ایران سویتایی "فسن"  
زمینه را وجود ندارد و با این "بویزایی می شوند" مختار مقتضی احمد  
با سایر طایفات خلیل جمهوری "حاضر بدل اثاثی باشد و فقط به سویا  
مود در رضایت دهد. در اینجا هم مسأله مامه بیدار شود. فرقه کنند که بهتر  
خل طیف ارضی با خروج زمین ها طرز آغاز می شود. فرقه کنند که بهتر  
خانوار از دهستان امداد رسانند بدست من آید این تازه لول را است.  
که در این مبارزات آمار داشته باشد. بین این رقیقیان رقیقی است  
که بین چنان "سویتایی" و "قدامه شده" بگذر سازمان -  
ده من توقیف و رفاه دهستانان باشد. بین این دو طایف از طایف این  
که در این انتقام باشد باید مخصوص بدان طایف سازمان -

که در طایل حاجمه میکشد. سپاهان موافق وجود دارد که سند راه  
برترات آن شده، بابت بجزان های خاکبها همچنان اجتناب منشود  
و در تعطیل نهایی این وظیفه در تعطیل نهایی اتفاق از اینست که  
نشانگان سیواهی مولده در بک دوره شخص در عصاد اتفاق نداشت با  
جهات عویضی که میتوان بر طبع فعلی ای از اینکلوف نیروهای مولده  
است و اگر مانع راه پذیر بشر آن شده.  
**ظالیف استقلاب**  
از تجزیه این اتفاقات عرب است یعنی با تجزیه و تحلیل اینها  
مشخص دنیای عربیه این نتیجه رسیده ام که استقلاب مردم مسرب  
من دولت های منطقه که هر کدام از نویں زانیده و بیرون از سیاست  
از اینست در دوره شخص بوده اند مانع راه پیشرفت جامعه مسرب  
است و برای این پیشرفت لازم است که به آین اتفاق عاده شود،  
مانع از سر راه پرساده شود و واضح است که این ظالیف انقلاب  
در هر مرد مشخص قطبها "تحلیل مشخص از شرایط مشخص" میتوان  
مین کرد و مبنی سازه ای که در رابطه با شناخت ماهیت انقلاب  
ترجیح میشود ماهیت حساسیات اجتماعی است که در آن چار چوب این  
لیل ظالیف حقیقی باشد و با محابارت دیگر ماهیت داشته باشد،  
بوداشون این موضع و حل این ظالیف باشد با روشن شدن این  
و ظالیف انقلاب و ماهیت دولت، آنها نقص طبقات و انتشار اجتماعی  
طبقه بر ایصال نظریه های سیاسی مخلوط را که هر یک دوچیل  
ایل عوکس هاعفع طبقات، شخص مستعد اگرچه الزاماً و بالغ احتمله  
خطه بک میکند این بین این برآمده ها و آن طبقات موجود نیست، میتوان  
جهد، چنانه از این نقطه شروع اینکه ای اول اساس حرکت اینست  
پیش فرو روش میشود که مرحله پندتی ظالیف قطب در صورت متواری  
پیش با گزینش های عین چارچوب طبقات باشد، یعنی توجه و  
حکمه ایدهولوژیک از در توجه کاذب، خواه آگاهانه و خواه ناگاهانه  
اینوده، بلکه ما شناخت این گزینشها رهمنی عمل انقلابی باشند،  
در واقع تحقق عکس ما چند تکلیف انقلاب در چارچوب ملتها و نظام اجتماعی  
پیش از سایر ظالیف انقلاب که در چارچوب نظام اجتماعی دیگر قابل  
تفکر، مبنی باشد، خلاصه مرحله پندتی انقلاب ایران به دروس ملته  
گزینه ایکه بین این و سومین اینست فقط وقت واقع اینست،  
اینوده، بلکه ما شناخت این گزینشها رهمنی عمل انقلابی باشند،  
در واقع تحقق عکس ما چند تکلیف انقلاب در چارچوب ملتها و نظام اجتماعی  
پیش از چنانچه ایدهولوژیک از دولت پولنی که تحقق گلایخه دولت گذاری  
مده گزینیست را به مهد، غیر گیرد واقعاً امکان پذیر باشد و با  
مین مرحله ای تخت هوان مرحله "پندتیکاتوری ولی به هنوز دسترس  
و خداهای ایلست" اما چه رسید به سومین اینست، واضح است  
که عوائد هریک میان ضرورت برآمد اختن، زندگی پذیری شاه باشند.  
از تظاهر طراهمان این مرحله لغز جمن نیست بلکه بین معنی است  
اولاً بینم دیکاتوری شاه یکی از موضع اساسی در طایل حاکمیت طبقه  
است و بود اشتن این مانع تکلیف این چارچوب ای اکن پذیر باشد و پس  
است اوتانها این تکلیف بود ون ایکه چارچوب طبقات با چارچوب نظام  
دولتی فعلی شهاد پیدا کند و با حق میتوان حکمه دیگرها -  
میر کوچک ای اتفاق اتفاق نباشد و با حل سایر ظالیف سیاست  
جهازی را در فرازده خود طرح کند، امکان پذیر باشد - مطابق  
چمن پیش از مرحله پندتی حل ظالیف انقلاب، مملکه برآمده های  
طقه و خواست های دیگر اتفاق نباشد و چیزهای های منطقه که مشتمل از  
وهابی طبقات مطابقت دارای هر سه طبقه مشخص و خاص طبع میشود؛  
سامهه دیکاتوری و خداهای ایلست و برآمده سومین اینست، چیزهای  
یعنی با تعریض ای اند دیکاتوری و چیزهای دیکاتوری و خداهایها -  
مشق اولاید ایلر بالا خود، بروز از روزگار تهت مرحله سومین اینست  
نم فرازید، چیزهای سومین ایلست ای دهاره باید تاکید گشته که در رایدینها  
ظفر از برآمده دیکاتوری و خداهای ایلست مرفقاً جمعیتی جیزی ای از  
التف و خواست های دیکاتوری و خداهای ایلست نیست، این ظالیف  
خواست های دیکاتوری هر سازمان گزینیست اتفاق جای خود را ازدین  
نه، چون ظلمیم پندتی بعضی وجود وحدت برآمده ای طبقه و سلطنت  
آن ظالیف و خواست های دیکاتوری و خداهای ایلست نیزه دیکاتوری میباشد  
ظالیف سومین اینست از طرف دیگر است و مبنی سازه هکمی  
دهه دیکاتوری و خداهای ایلست و یا چیزهای دیکاتوری میباشد  
آن این مطلب نیست که بر سر خواست وها ظالیف شخص نیزه های  
ظالمی منطقه مکن است بجزرات درآیند و ادجاج این نیزه ها درصل

مشخص شکل می‌گیرد و تکه افتخار را که در آن جایزه شده بود در  
گورنر شاپل عن شود. تکه سازمان های تیاسی استقلال شاهزادگان  
و سپس خود را حفظ نمی‌کند و پیشمرد جایزه می‌گیرد و مشروط می‌بینی  
«حقوق اجتماعی» نوشت، بلکه پریوکس اتحاد در عقدت این پیمانه است  
و در عرض این چنین مادرزادی حزب کمونیست افغانستان، با جایزه می‌گیرد.  
لیک و پیش دادن راه ملی پیشرفت جایزه خواهد گذاشت و همچنان  
که از سلطان بدیل گلوری و سازمان سایر طبقات و پریوکس ها جدا گردید  
مال الکوهی طلاق «سرویت براند اختن یکم دیکتاتوری شاه» «براندیشیم  
و پیغام که فرق این دو پریوکس در عرض چیست؟ حزب خود پیشنهاد  
نگذ که براز تحفظ این مدنی از اسلام است مجده ای تکلیف بهم کنم  
لیک پیروهاشان فد رژیم شاه را در بیرونیم. از جمله سربایه داران طبقاتی  
اکه مخالف اسهداد شاه هستند. در وروده اول واقع است که  
براند اختن یکم شاه «سرمه یک خواست شخص نیست، بلکه سالست  
؛ بود دلیل و با لائق تکلیف حکومت را طرح می‌کند و واضح است که  
؛ چنین ساله ای اولاً در شرایط اوج وحدت مادرزاد طبقاتی طنزخی  
شود و تحقق آن سلطان چنین حدیث است و بی این سادگی ها و معا  
ند شعار و سرطان دیساورت حل بخواهد یافته و نایابی بعضی  
بلکه ساله بزرگ اختن یکم شاه واقعاً سال بوزاره طبقاتی  
بود در همان حال ساله اینکه جه حکومت وجه دلخواه چاشنی  
دشود طریح خواهد شد، بعنی ساله اینکه کدام طبقه حاکم اجتنبی  
ست و واضح است که در چنین حالی جمهه فوق الذکر اگر والقص  
من می‌گجهه باشند، بنیاده جواب واحدی در طایف سوال نمی‌توان  
که دهد. ولن این جواب چه عنوانی داشت؟ جز جواب «سرایه  
یان بزرگ» در آن جمهه آیا این سربایه داران بزرگ دش داشتند  
چوب طبقه کارگریه این سوال راهیست غواصید داد؟ حزب توسعه  
ب آگاه است که این سال طریح است و جوابش را می‌دانند  
رد: «برای این دشی از نوع دش فعلی عویان از عین حال برای جلب  
این سربایه داران بزرگ دش داشت». به آنها قول می‌دادند که  
زی طبقات را در چهارچوب «تمدن و پیونان» می‌خواهد کرد (النده  
نوشی و رسید و دلخواه طبقاتی خود حزب خود را کاربردی و دلخیان  
؛ ا) حال آنکه پریوکس افغانستان از قبیل پریوکس طبقاتی را شریعت  
حدود به چشم انداز بوزاریان - آنهم از این نوع که حزب پیشنهاد  
ج می‌گند - اینکه پس از براند اختن یکم دیکتاتوری چیز  
مکوت و دلخواه برقرار خواهد شد از قبل قابل بخواهد یعنی «تمدن»  
نیست - تعین کنند. تقابل پیروهاش طبقاتی در فرازند خود سواره  
است. ولن هدف کمونیست های افغانستان چیزی است؟ «تمدن و پیونان»  
نیست - هدف آنها برای ایجاد حکومت پیوکری است. زیرا که بعدون آن مفر  
خواست های بولتانیا و سایر افشار دست که می‌خواهد خود بسی  
اند اختن یکم را مکن ساخته اند قابل بخواهد یافته  
چند این تعبیر خود یافته بود.  
پس از براند اختن یکم دیکتاتوری چیز  
مکوت و دلخواه برقرار خواهد شد از قبل قابل بخواهد یعنی «تمدن»  
نیست - تعین کنند. تقابل پیروهاش طبقاتی در فرازند خود سواره  
است. ولن هدف کمونیست های افغانستان چیزی است؟ «تمدن و پیونان»  
نیست - هدف آنها برای ایجاد حکومت پیوکری است. زیرا که بعدون آن مفر  
خواست های بولتانیا و سایر افشار دست که می‌خواهد خود بسی  
اند اختن یکم را مکن ساخته اند قابل بخواهد یافته  
چند این تعبیر خود یافته بود.  
پس از براند اختن یکم و اساس مادرزاد طبقاتی در اولین قرن  
پیشتر را باید با چشم انداز اتفاق بوسیله در تحریر اتفاق مسلم  
فرمول شد از جمیع شود به نظری و چشم انداز ها، بونکه خودشکنی  
انشارات طبیعت، ۱۳۰۰+ این داد و بونکه بیانیه کالیف دیکتاتوری  
و گالیف سوسیالیستی فقط یک جمهه از این طور است. و من جمهه  
نه ام می‌توانم خود جامعه در حال گزار است. بعنی اتفاقات سوسیالیستی  
لیست یا کسب قدرت سایر طبقات را شروع می‌نمود. ظاگداری جامعه  
لیستی، در عرض مادرزاد داخل داد و همه مهارتیات اجتماعی  
د سخشنخ تغییر و تبدیل خواهد شد. و سویں جمهه آن می‌توانست  
داد اتفاقات از سطح علیه سطح جهان است. بعنی خلیست  
هنن الطیب نون اتفاقات سوسیالیستی «پایلو خود خوشکن»، «اعربها»  
سوسیالیسم به اصل میرد نیست بلکه اعتمان طبیعت و سیاست خلیست  
افتخار جهان، تکلیف جهان پیروهاش تولیدی و طیان جهانی جایزه  
طبقاتی است. اتفاقات سوسیالیستی در زمینه طیان آغاز میگرد و لیس  
میخواهد در این راسته تبدیل کنیل گردد. استقرار اتفاقات بولتانیا و بهار  
چوب کل فقط میخواهد به مالت موقن داشته باشد من التر، همانطور  
که تجارت اتحاد شوروی شان دادند، بطور طبیعی است. درین  
دینه خود بولتانیا این اینزده شد. همراه با موقن های کسب شده  
تحاد های داشتند و خارجی بطور اجتماع تایید بودند خواهد بود.  
حکومت کارگری اگر اینرا بخاند سرانجام اینها این خداد های خواهند  
شد - شها راه نهادند آن قابل

بعد تولید با انتخابه مجدد راهگزار داده شد و بعد، بهتری این ساز  
پسرفت رشد کرد. ۶ سپتامبر ۱۹۴۲ از آن پسیوی لار ۳ نماینده فکری  
نیم هیلیون بیکار بودند. از طرف دیگر فکری طرزه ای از مدیران کارخانه،  
تمثیلیم در مکانیم شروع شد، واسطه های جوان و محظیان در حال  
رشد بودند. ۶ پایان سال ۱۹۴۲ ۸۲۰ درصد تجارت این ساز  
محالق به خوش مخصوص بود. تمثیلیم در میان کارخانه، گستره  
در درون اولیه بعد از انقلاب جایشان را گارگان پر کرد و بودند،  
در این دوره از سطح منابع دهاره، مصنه بازگشت و از داده است  
کارگری طلب اینها از فراوان در ازای خدمات خود تقدیر شد و در غیره.  
حال برای تسهیل دریافت این اهداز به حزب شلوغی می بودند.  
در سال ۱۹۴۳ ۲۵ درصد از کاردهای مدنی منابع اصلی خسرا-  
کارگر بودند و فقط یک هفتم آنها هموار خوب بودند. ۷۰٪ بعد این  
از آن به ۱۶ درصد و نصف رسیده بود. در این سالها بود که  
بین رنج این رشد پایانه ای از بزرگترین ها هم در زندگی اقتصادی زخم  
در دستگاه دولتی و حق در صفو خود حزب شوروی شوین گشته.  
زمینه مادی رشد این قدر از بیک سو همان هراث طبق اتفاقی رویمه  
و از سوی دیگر طبقات بسیار بود که طبقه کارگر و مایه بود، همای  
زمختن در طبل جنگ اینها بینیست و بخوبی جنگ داخلی دیده بودند.  
برخلاف طبقه کارگر و باورانش، این قدر جدید از نفع و اهداز ندا-  
دی برخود از بود که دفاع از آن سازمان خطوط شرایط بود و هر-  
گوئی بسط اهداز بوده ای، چه در خود شوروی و چه در سایر  
کشورها، بخصوص اروپا، این اهدازات را بختر من اتفاق داده است.  
هزاره نهیه رشد این بورکارس از همان ابتدا آغاز شد. تا پس  
حتی در سال ۱۹۴۰ نیزه "ناهیچیار های بورکارس" دولت  
کارگری اشاره می کرد. در پایان ۱۹۴۲ که پس از درجه طولانی  
بیرونیت دهاره به قدریت سیاسی بازگشت این هزاره را تبدیل  
داند کرد.

ط در اینجا وارد جزئیات این هزارات سالهای آخر زندگی این سیاست  
نمی شویم. استاد مروطه این دوره اثکون دیگر اغلب خفتر نداشت. این  
و برخلاف تاریخ ساخته هنکاری که در آن پس از مرگ اثکون در جایزه طبله  
این بورکارس تسامع شد در تاریخ واقعی این هزاره با مرگ انسان  
خاتمه نیافت، چه در سطح جامعه شوروی به شکل احصایات کارگری  
که از اوست ۱۹۴۲ در اهداز به تاریخ میاست های دولت شروع شد  
و چه در سطح هزارات داخل حزب شلوغی این کیاش مختلط  
ایونیون، بحول مایقش بود که ۴۶ هزار از اعضا بر جمیع حزب  
پلشکوی به کمکه مزکی طباب کردند. جنت فشار اعتمادی حزب بیعت  
و سهم در حزب و در نسخه پراوید آغاز شد. در این اولیه بیعت  
پلشکویی از حزب، بخصوص در سلول های داشتگی، کارگری  
وارث از ایونیون شعبانی کردند. در سال ۱۹۴۳ در دویتس  
رساله شنیون را متر ساخت و از اوضاع این نامه پیشیده  
آن وی از ایونیون، "ایونیون چپ" نشان یافت. در اوان شکله  
ایونیون چهار از پیشانی و سیمی برخورد از بود و فقط پیاز میکه  
سلسله اقدامات بورکارسی جای اسنایلین-نیدویویک-لاند بود. این پیاز  
تفعیر کارگران ایونیون، تهدید کارگران طبقه ای از افراد میکنند  
از کار، اخراج طرفدار ایونیونیون از حزب پیگوچنیان بهانه ایانها -  
ظر و غیره آن جنای راست و ایست ایکنیت طعن برای خود  
بدست آورد. برخلاف طبله همکار این هزاره از قلیل مکونه شکست  
بود و اینین نیاز از "اصدار طبع" بمنی انقلاب اکسپریم برخورد نزد  
بودند. مانطور که بیلاگانه شد قطعه حفظ در هزاره طبله  
بورکارس شکست حرج انقلاب در ایوان و خوبی مانند شوروی بود.  
آن تکمیل بورکارس در شوروی در سطح سیاسی خود را به شکل  
شروع حملات طبله شوروی انقلاب داده ای ۱۹۴۴ نشان داد.  
مانطور که گذشتم این شوری بیان موجز سه گزینش اساس دیوان می  
است. اما برای بورکارس که بناشند و خطوط شرایط بود، بود آنها  
بود. بیان بود که شوری انقلاب نلکه توجه و وجود بود. بدین توجه  
درست جنبه شوری انقلاب آماده طبله فرار گفت. ولی این گوئی  
مطبق خود را دارد. بلکه بر تدبیر بیشتر شوری انقلاب می باشد اثرباره  
تجویی در مقابل آن ساخته و پرداخته شود. در مقابل تقدیر هزاره  
برای تحقق ظانیف دعاوهای و سوسیالیستی، "کلوری" خوش

حوالد بود. اثر از این نظم ناظر برپاییم، انقلاب می بود که کل ۹ام-  
پدات بیست، بلکه فقط کلد ای از زنجیر انقلاب جهانی است. انقلاب  
جهانی با وجود همه فراز و نسبت های بیشتر بروزه داده است.  
**[انقلاب پیشتر]** انتشارات فانوس، ۱۳۵۲، سفیدات ۴۲۱ و ۴۰۵ آ.

بدین توجه تئوری انقلاب مذکوره بروش و موجز تیری و طبقی -  
تئوری اسماز تین گزینه های می دیوان ما نایمان نمی گند:  
داؤم هایزه برای معلق کلیل دشای و جایزه برای معلق کلیل  
سوسیالیستی، داؤم انقلاب از سطح طبله به سطح جهانی و  
داؤم انقلاب در جامعه در حال آغاز نا جامعه کوئیست. و دیگر  
به این دلیل با احتمال انقلاب پولنی در شوروی و رشد و تحکیم  
استانی این فرمه آن چنینه آن هدف مسلط شدید بورکارس فرار گرفت و  
بها آن بابت های ایده تولویک ما ریکارس ناطق جایگذشتند که  
دروالع توجه میاست های داده اندانیان بورکارس بود در سطح طبله  
و همین الطلاق. این صرف و خوب تئوری انقلاب نه علیها در آنست  
باعت شکست بسیاری انقلاب ها شد، بلکه تا به امروز هم چنان سود ر-  
گی و اقتضانی ایجاد کرد. که تراپیش هایی نظری طبله ایان ۱۹۴۰  
شپریک را به جهان هدیان گوش ها و مادره که از نیروهای ارتقا  
بد استعدادی و ند استعدادی و استفاده از عوامل متوجه برای بیچ  
زمجهستان صعید می گند.

آن تصریف و تدبیر شوری بیانه بخ داد و در عمل و تجربه  
پایه از طلاق ایان چه بیار آورد؟  
انقلاب پیشتر خود پولنی در شوروی، هراث قین ها غب ماده گش  
و عومنه شده قاولد الی نصیحت شدند. هراث قین های نایش  
از جنگ جهانی اول و حتف آن دو سال و نیم جنگ داخلی کشیده  
را بلکه همان کردند. بود. منابع کفر از بک پنجم سطح قبل از جنگ  
چندی که تردد و وضع منابع سلیمان از ایدهه بدر بود. از هم پاشیدگی  
منعم طبله هایی ملکیان شدن عادل بین شهرها و روستا میز شدند.  
روستایان دیگر خود را به شهرها نمی دادند. زیرا کم شده  
چیزی بد استند که در ازای آن به روستا بد ده.

طبله کارگر سیار شعیف شد. بود. بسیاری از آنها تین گارگان  
در خطوط اول جیمهه در جنگ داخلی کشیده بودند. بسیاری  
دیگر، بعلت بیکاری در شهرها، به روستا بازگشته بودند. ۶ سال  
۱۹۴۱، سکو فقطی صفت و پیشوایان طبله که پنجم سطح قبل از جنگ  
در بیان این هفت سال جنگ جهانی اول، جنگ داخلی و حصاره  
امپریالیستی، یک خشنالی نیز طبله بود. وکی از شدیده شده  
قطعه های در طبله شوروی را بیار آورد. ۶ پایان سال ۱۹۴۱ در  
جلیون نفر از گردنیزی روسیک بودند. در این شرایط بود که پلشکوی  
برای پیغمبر این شرایط ایان مارس ۱۹۴۱ شن نیون اقتصادی [New  
Economic Policy] را به اینجا گذاشتند. اولین چند ده ایام  
تولید کشاورزی و برقراری هادلین شور و روستا بود. پائیدی که  
قبل از بنای شوری بکشند که از این شوری کشیده شدند.  
د هفتمان شریعه نمودند که از این شوری کشیده شدند.  
برخلاف دیگر جنگ داخلی که از پنجم سطح زاده ده هلال  
را صاحب می کرد و به شهرها تحویل می داد، در این دوره  
د هفتمان اجازه داده شد که سنت مده مصوب را تکه دارد و خود  
در بیان ایان پیشیده شد. در دوره قلی، از آنها که منابع مده داشتند  
هد است دوکت در چهاته آنها های ایان هایی که از پنجم سطح  
انهای مورد نیاز ده هلالان لطف خوده بود. و به این جهت هد  
نان اکنیزه ای برای گفت الله. پیش از احتیاجات صرف خود داشتند.  
در دروره ای اسفلار برخی منابع خوش نیز هزار کردند. ولی دوکت  
کارگری که قدر بخش های تعیین گشته شد، را در دست خود نگاهد ایان  
یعنی اساساً اداره، سنت اعظم منابع سلیمان، انحصار تجارت خارجی،  
انحصار از هفاط و سیمیم باشند.

سیاست ایان با مؤلفت سیمیز د از ایان تولید کشاورزی و منابع  
سیک ریزی شد. ۶ آوریل ۱۹۴۲ یعنی در ایان تولید سلیمان  
به ۷۵ درصد سطح ۱۹۴۱ رسید. ۶ سال ۱۹۴۴ تولید سلیمان  
روستایی و پیش از ۱۹۴۳ به ۵۰ درصد سطح تولید قبل از جنگ رسید.  
ولن همراه با این مؤلفت ها دوکت کارگری با سالان جدیدی نیز روسی  
شد. تاکید تر منابع سیک باعث شد که رشد منابع سلیمان سرعت  
منابع سیک پیش از ۱۹۴۲ در بخش منابع سیک که استقرار تولید خوشی،

دوره از آن بعد انتقال دستگاهی می‌گذشتند، هنچه از انتقال دستگاهی تاکه از توپخانه، یکده انتقال دستگاهی از بون نون انتقال دستگاهی تاکه اینها را پس از سیاست می‌دانند. در عاریه طبق آمین‌السازم "بلوک این چهار طبقه" عهداً راه پیش‌روی می‌گذرد پیش‌روی خوش‌داد شد. ولی این سنه جدیده تقویت ملکیکس هنر از خود مشغول ها هم که در فرار از اشت. حتی مشغول ها هم از شوری شان این نیجه را بمن در این دوره غلطی خوب سوچان دستگاهی پایاده خود را در حرب پیروی‌واری اسرائیل حل نمود سنه جدیده انتقال دستگاهی ای به خوبیست چنین، خوبیست مخالفت خود زیرین حرب، دستور داد که وارد گوین طلاق شود. گوین باش ملکیک زند پلوك چهار طبقه تشغیل داده شد. در زمانه ۱۹۲۶ را پس از چهار راه می‌گذرد همین تکه حرب پیش‌روی بمن کرد که گوین کاپسک از ران سلطنه اینهیست ها در آسما را مهد و خواهد ساخت. بورود بن، پیامده اصلی کمیتهن در چنین به کمیته ها نگهست "جه کمیته است چون باشید که گوین ناگزیر همان پایاده از زیرال چهارگان اطاعت کنید". چهارگان کامپک که قیام از رشد سمع کمیته ها هر رسان شده بود از موقعیت جدید کمال استفاده را کرد. در اوایل سال ۱۹۲۶ کلیه اعضا حرب کمیته است از موقعیت های زیرین کرد از این دسته سازمان گوین طلاق برخرا کرد. گهنه احصا هنگ لشکر را محل و اهانی آن دستگیر ساخت. با این پیش‌روی اسناد ایلیپسی کمیتهن چنان رفاقت را کرد که اثمار هم اتفاقی نیافرداست. بجهان کمیته ای اینهاییست گوین طلاق را در سراسر چون بسط دهد. ۳ نوامبر ۱۹۲۶ سیاران چهارگان طلاق شد، که به ساختن مستقر سازی کمیته است چون بودست گرفتن رهبری کمیته مسلط میزبانی و داد ای، کمیتهن گوین طلاق را بعنوان "حرب سهات" بین اهل سوی گوینیست شناخت اکنون چهارگان کای چهار گردیه گوینیست ملکیک بود که با استفاده از جنیه توجه ای و خلیش شدن بلوک حرب کمیته است و تحت نظره اکنون همین شد. شد اینهاییست گوین طلاق را در سراسر چون بسط دهد. ۴ آوریه ۱۹۲۷ سیاران چهارگان نزد هر از آنچه صور من رفت نظرم واقعی این "کنسل اینهاییست" را چندند نهاده طلاق ای این دویه "انتقلاب اینهاییست" سمعو اعلام کرد. ۶۹ ۱۹۲۷ از زیمه اعلام شد و هرگاهه "اختلال لاگری در طلاق شکر کش شمال سطحی شد. در ۱۹ اوایل اعلام شد که لاگرگان حق ندارند هیچگوئی اسلامه ای حمل کنند، حق جمعیاً مقاومات نیز ندارند. در ۱۰ اکتبر حکومت گوین طلاق چون از بورودن خواسته است که قسمت از اسلحه خود را از چهارگان کای چهار گردیه گوینیست ملکیک را بگیرد. بورود به چهارگان کای چهار گردیه شد، شود به احتماله خاری دهستانی داده شود. ولی بورودن این ظاهر را بهدیرافت، بعدهد ۱۰ اینجنس کاری موجب سوتی گوین طلاق و هجره طلاق و مقاومت هایان گردیه گوین طلاق نیز شد. در اکتبر ۱۹۲۷ رهبری اسناد گوین طلاق را بمن به حرب گزیده نیست چون طلاق را در هفتمان دستگاهان کردید. با خام این اوساف حرب کمیته است چون از گوین طلاق بازداشته می‌شد. بورودن چنین استدلال را که یاد می‌بریم که این ترکیب مخلوط طلاق است، آن گوین طلاق علاوه‌ترین هایان دستبهه بالکه مخصوص بزند و دهستانان علاوه‌باشد خوب نکند. لیکن مرکزی حربیز کمیته است چون از بورودن خواسته است که قسمت از اسلحه خود را که قرار بود به چهارگان کای چهار گردیه گوینیست ملکیک را بگیرد که می‌سازد. از راه هایی را که در رهبری شکر کش شمال بودند آزدیده خاطر نکردند که فوریه ۱۹۲۷ از دشنهای اشکارا شکل اینهاده ام سازمان هایی بودند. ای بود. دشنهای را یکی پس از دیگری سازمانند هدنه هایی احتماله هایی کاریگری بکشند که رسیده دند و محل احتماله هایی به اعمال سیارانه ای چهارگان داشتند. همانی را بگیرد که می‌سازد. همانی را که در رهبری شکر کش شمال بودند آزدیده خاطر نکردند. از راه هایی را که در رهبری شکر کش شمال بودند آزدیده خاطر نکردند که فوریه ۱۹۲۷ از دشنهای اشکارا شکل اینهاده ام سازمان هایی بودند. ای بود. دشنهای را یکی پس از دیگری سازمانند هدنه هایی احتماله هایی کاریگری بکشند که رسیده دند و محل احتماله هایی به اعمال سیارانه ای چهارگان داشتند. همانی را بگیرد که می‌سازد. همانی را که در رهبری شکر کش شمال بودند آزدیده خاطر نکردند که فوریه ۱۹۲۷ از دشنهای اشکارا شکل اینهاده ام سازمان هایی بودند. ای بود. دشنهای را یکی پس از دیگری سازمانند هدنه هایی احتماله هایی کاریگری بکشند که رسیده دند و محل احتماله هایی به اعمال سیارانه ای چهارگان داشتند. همانی را بگیرد که می‌سازد. همانی را که در رهبری شکر کش شمال بودند آزدیده خاطر نکردند که فوریه ۱۹۲۷ از دشنهای اشکارا شکل اینهاده ام سازمان هایی بودند. ای بود. دشنهای را یکی پس از دیگری سازمانند هدنه هایی احتماله هایی کاریگری بکشند که رسیده دند و محل احتماله هایی به اعمال سیارانه ای چهارگان داشتند. همانی را بگیرد که می‌سازد.

در معرفه‌ای بودن انقلاب در کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از زبان داد آن ظاهر می‌گیریم شنیده شد. در مقابل داداوم انقلاب از سطح طبقه به سطح بین الطبقه "تولوی" سوسیالیزم در راه کشور بافته شد که بدان به آن اگر جزوی از سایر کشورها داخله نشود در جاریه و مزه‌های تیموری می‌توان جامعه سوسیالیست را ساخت. و اینست که قد حظوظ بعدی چنین پیشنهاد سازنها بتویژی از در سطح جهانی پیداوار جلوگیری از این داخله است و نقش حزب کمونیست لندن بخوبی رهبری چاره طبلاتی، که به اجرای این هدایت پورکراس تیموری در صالحه با بتویژی شد. در مقابل داداوم انقلاب در جامعه در-حال گذار، پورکراس طبق داشت که با برقراری دینکا تیموری پروپاگاندا دروان انقلاب بهایان می‌رسد و کلیه تغییرات اجتماعی از این پیش از طبق اسلامات سیاسی "آنلا" صورت خواهد گرفت.

شاید چنین در این تدویر احتیاج به توضیح فراوان نداشت  
نطیجہ پس از دیدار شورهای حکمت سلطنه امیرالممالک، اداری و دادخواهی  
از پیش از قفر و طلاق حاکمه پس از توجیش که مسئلیّة از مکاری بود  
آنچه بیان است ها نسبوں گرفت بود آنامار ۱۹۲۲ شنبه ۳۰ دهد که  
در دادخواهی از دهستانان بن زین بودند ۴۳ درصد زمین شان آبقد  
کوچک بود که اتفاق معاشر نمیگردید و ۱۳ درصد جمعیت روستا  
در دادخواهی از دهستانان معاشر مزارع کاراز ۴۰٪  
۷۰٪ درصد محصول را گذشته از "هدایا" و "بیماری" و سایر "آغا  
فات" میباشد به خانواده ها مالک بحقون اجاره ببرد ازند زینه راز  
امیرالبسن اینها را زایش و آمنیاتی، برای حفظ اوضاع در پیشاد  
و شهرهای مهم چون سطهر بودند قسم اعظم راه آهن و کشتزاری  
چون وسیع از بزرگترین صنعت کشور، هنایع پیده مخلعند بد سرمه  
خارجی بود "سران جنگ" یا دیافت اسلحه و بول از امیرالبسن  
ها بود که طفیلان های دهستان را سرکوب میگردند و شد علایی  
در دادخواهی بند جهان اول موجب رسید سریع طبقه کارگر ایزد  
در سال ۱۹۲۳-۱۹۲۱ احصای که ۱۵۰ هزار کارگر را در بررسی گرفت  
وقوع بیوست، حال آنکه در سال ۱۹۱۸ این ازام ۱۵۰ احصاب و  
هزار کارگر بیش بود در اول ماه سه ۱۹۲۰ نیستین گفتار اس سرونا  
سریع کار با شرکت تاییدگان ۵۷ هزار کارگر از تام شهرهای منتهی

چن میگواردند . در نایخ ۲۰ سیاران انگلیس علاوه گفتند که  
شانگهای را به آتش گلوه بستند و ۱۶ داشتگویی شدند . فردا  
شهر احتساب معون اعلام شد که تمام شهر را طیگ کرد و بیزدی دیروز  
سر چن گسترد . قریب ۱۳۵۰ احتساب با شرکت ۴۰۰ هزار کارگر رعیت داد  
خدود پنهان بعد ، در ۴۲ ژوئن سیاران انگلیس و فرانسوی ۵۰۲  
هزارکشیده را با گلوه بغل رساندند . دهاره احتساب معون با شرکت  
۴۰ هزار کارگریخ داد . تعمیم کالا های انگلیس شروع شد . کارگر  
مستعمله انگلیس هنری گفت را ترک گردد ، به گذشتین همها جرت می  
گردد . چنیش کاربری آزادی بیان و مطبوعات ، حق اختفاب تعیین کرد .  
چنین در حکومت مستعمرات ، مزد و شرایط کار بهتر و تغییر اجرا .  
را طلب می گرد . اصحابیه های دهالان در ایالت گوان ژون به همان  
با کارگران احتساب گفتند . برای کنسل بند رها بمحظوظ راعمال تحقیق  
کالا های انگلیس پیدا نخواهند .

در این شرایط حزب کمونیست چین در عرض چند ماه، بین رانی  
با سه ۱۹۴۵ از ۱۰۰۰۰۰ نفر محدود است، و نفوذ حزب بسیار وسیعتر  
چوانان حزب ۱۰۰۰۰ نفر محدود است، و نفوذ حزب بسیار وسیعتر  
تعداد آن بود و شرایط اقلاتان راه را برای رسیدن سریع تریوی —  
گردید و بود، ولی سیاست فقط حزب که از طرف رهبری کمونیست و برخوا  
لتفاوت خود رضوی حزب کمونیست چین بر آن تعامل نمود، آن اتفاق  
را بسیار شکست و حزب کمونیست چین را بسیار دشمنی به آنها هدایت  
نماید «کشوری» جدید کشورهای مستعمره و شبه مستعمره در آیینه

شکست مخفی خود را بود و این قیام های پراکنده، در شرایط کسی موقوع غل نشین مرتب و با انتها طافت و تجدید قوای برای فرمتهای آشیده بود، صراحتی بیشتری از آنگاهی داشت، را طفل کرد.

نگات انقلاب دوم چون بخوبی نهادند طاویل بود که انقلاب میتواند برای ایجاد شوری "انقلاب مرحله ای" ببرد اخت. و با هماهنگی آخرين بود و نا به امروز نیز با اشتغال مختلف چه در سطح شوری و چه در سطح ملکه این مرحله پندتی ها مکررا خود را شان داده اند. از جمله همه پندتی خذان ها میں تقاضه های اصلی و غیری نیز همان دیگری از همن مرحله پندتی هاست، با همان اشتغالی که قبلاً بحث شدند و در عین با همان نتایجی که از مرحله پندتی انقلاب ختم می شود.

در واکنش شگفتانگاب چن و همچوین از وحشت مالکیت  
له سپاهیان بورکارس در داخل شهری ایجاد گردید و پسند  
لولاک ها، احتفاره از طرف آنان و مطابقی که با استفاده از این  
اهم اقتصادی از دولت شوروی مطبید ند و وجود خود دلت کارگری  
با سخنفرم اند اختر ای بورکارس، هم در صدد سایتین الطالبی  
؛ هم در صدد همایست داشل زیارتگار پیغمبر و در این دوره گسترش  
؛ "دوره سوم" معرفی شد، مختاری و وحدت محل با هم سازمان پیر-  
خوبیت "احتراف ایرونوتیش" و دست راست "شغافت" شد و در این  
دل شوروی این همایست اتفاق ایجاد کرد که ملکه کشاورزی و سلطنتی ای  
ملکیت با سرعی غرقاً حل ملک آغاز شد که خود بعثت حمل جد الائمه-  
ی است + توجهی طوریکه این زیارتگار به چهار راه "تحلیل" اسلام‌علمزم  
را فاشیزم و سیاست هالی که از چون بیشتر هفچ می‌شد بیان خود را  
افت + این بخش از فاشیزم که ایندا در برآمد و رایطه باشد فاشیزم در این  
اقدام شد بعد ایجاد حکم بافت و در این دوره بعای تحمل شرایط سلطنت  
لشکن هر کشور بصورت کجای شفاقتمند همسایه ای در همه چهار  
کلانهای "پیدا گرد و در همه جا پوشش چه بیانی بود پیرای پشت گزدن  
زرب کمونیستی سایر سازمان ها و اتحاد از وحدت در جهان منطبق -  
زرب "حزب کمونیست یونان" "حزب ارضی" *Aristotelian Party* را که جزوی  
مشکون، با برناهه ای بورکارس برای حل ساله ارضی بود و در سیمان  
حقوقان را به وسیع داشت "کاشیزم ارضی" می‌خواست و به دهستان  
نه این حرب یکلی پشت گرد + "مولویه" *Wina ko valashimeti* نیز از اخیر  
ت همین دهه است +

بنایه شوری فاشنیم گفتند، فاشنیم و سوپل دکراس کس  
و جسب سوال فاشنیم بر آن زده شد اولیا هر زمان در تحلیل  
حالی موقتاً دیگرا پنچ بودند و مکمل یکدیگر، «برادران دولتم»  
ند در تفاهم با هم در این دوره آثار ازشیدنی من  
مران های اقتصادی من گذشت و فاشنیم در حال رشد و بسط می شود.  
و تنها یک سیاست ضعیف خوب نمی شود و یک واکنش را دارد از طرف  
قد کارگری های است جلوی فاشنیم را نماید.

در سال ۱۹۶۰ حکومت اسلامی حزب سویاال د مکرات، حسنزی  
بولنک مرکز، و حزب مردم سلطنت کرد و هایدشت، بولنک، رهبر حزب  
لرستان ندادشت، سلطنتی خلوقتی کرد و برای آنکه بولنک انتخابات  
ارزی به دوش طبقه کارگر بسط و پیشخواز آین بجزان بینون آید  
پیشگی بود جهه بینه های اجتماعی را بینند تقلیل داد، بازرسندان  
پلیس را دسته دسته مغلصل کرد، جانلوک و مستصرد ها را کاهش داد و  
جهات هزارا بالا برد. در انتخابات سپتامبر ۱۹۶۰ رأی نازی ها از  
۸۱ هزار و ای سال ۱۹۶۳ به ۷/۲ میلیون رسیده بود. با پیمان  
ل ۱۹۶۰ بزرگ سویاال همراهی ۱۰۰ هزار نفر رسیده بود. رأی کمتر  
تعداد ها نیز از ۲/۲ میلیون به ۴/۰ میلیون افزایش یافته رسیده  
آن افزایش را، حزب کمونیست آستان ایجاد نموده که دشمن  
آن کار فاشیست ها تزدیک شده است. اکنون سویم محله به سویاال  
رسیده هاست.

برخلاف این اندیشه حزب کوئیست آغاز، خوشکن از عمان اینها را نوشته مای خود. رشد فاشیزم و خطرپر را که این رشد خوبه جایش اگریک نمی‌گردید به حزب کوئیست هشدار ادمی داد. و در قابله اعمال شناسی اندیشه این خطر، هیاست تشکیل مجده واحد با کارکنان سوسیال- مکرات و غیر همین راهبرای حازمه طبقه فاقه‌نشین خواهان می‌دانست. تهایه من محدودیت مجده واحد در حازمه طبقه فاقه‌نشین بر این توهم استوار نموده. همچنان متوسیال دنیاکراس حازمه همچوی را طبقه همطران خواند.

چهارگاه کاچه که بسیج کرد - جواب چهار گاه تایپک به این نظریه امیر سروز  
حرب کوئیست چون بسیار ساده و قابل پیش‌بینی بود. ۱۰ آوریل ۱۹۴۲ سال  
بازار گویند گاه تایپک که مراکز اتحادیه کارگران، مراکز کوئیست ها، مراکز  
کمیته های اتحادیه و سفارت روزنامه ها را اشغال کردند - سالیمن  
و داغمن این ساختن ها هیچ اعدام شدند - ماهیهای نامه حرب  
کوئیست چونه کارگران شانکوهای آموخته بوده اند از گویند گاه تایپ  
کنند - اگرین خلیل ذیر شد - بود - با این وصف ۱۰۰ کارگر  
دست با اصحاب زندگ - کارگران غیر مسلح در میان هرات خود بسا  
ملل های سازمان چهارگاه کاچه ریتو شدند - بعد از این هرگونه  
طاقت علی خواهید.

طیزم این شکست مهیب، کھلدن دست از شایست خود برداشت.  
نقض احراز کرد که الگون در ۹۰% جدیدی از انقلاب چن فرارسیده؛  
در ۹۰% ای که طلاقخانه پیویشوی طلب به جناح ارتقای پیوست، و بنابراین  
محمد اصلی، جناح "چپ" گوین باش است و از آنجا که مرکز لفتر  
آن جناح چپ در ووهان است، الگون مرکز انقلاب از شانگهای به ووهان  
 منتقل شده است.

در رهایل این سیاست جنون آغاز کمپین ترویجی از عمان ابتدا  
با ابعاد حزب کمونیست در کومن طائف مخالف بود - بعده او حزب  
کمونیست چنین می‌باید استقلال خود را، صریحتر از هرگونه توافق مدنی  
با هر بنیان کومن طائف، کاملاً حفظ کند - کاربران و دهستانان واستقلال  
از کومن طائف سازمان دهد و پیغام در پیت آذان با رویمه اعتماد به  
کومن طائف واستقلال از آن رش ملی انقلابی "بانان یا موید که به پیش  
نه کومن طائف، همچو بک از بنیان های کومن طائف، اعتماد نکنند و  
کاربران و دهستانان را در جازه مستقل خود شان به گسب قدرت و حل  
سازان ملی، کوکه تردن دست اهیانیست ها از چن، نصاپ و چشم  
رضن های عده طالکن، با نک اصحاب چالهیر شوریو سوسالیستیس  
عهیت نیاید - این دلایل همان موضعی بود که کمپین در سالهای  
ول داشت - لیزای طال رجوع شود به تزمیت کنگره های دوم و چهارم  
جهانی در این رابطه - این از کوکه ای کاتیون نیز عرضک، مکاری طائف  
رد که لازم است حزب کمونیست چن از کلهه جناح های کومن طائف  
ورد و مستقل دست به تشکیل شوراهای کاربری و دهستانی بزند - باید

نیز در مدهفان بیوود ته به رهمنان "چپ" کومن ناک احصار  
کلید و شوراهای مستقل خود را پسندید و در طی بهار ۱۹۴۷ جنبش  
حقوقی در سراسر باعثه مرتزی چون بست پیدا کرد دهستان زمین -  
بای مالکین، ایثارهای اختلافات داشت و گلا الایا را صاحب کرد تا در  
موقع به سازمان دادن غولید - ساختن داراس، و خبره کردند در  
رس العمل به آن جنبش مالکین با استفاده از جفا های پیغمان  
بیانگ کارگردانی دهستان را حمله برداشت دهستان -  
خواج "چپ" کومن ناک که حزب کمونیست هم دزاعتماد با آن بود

فاسدیم است و از اینجا که حکومت علیم هم برق چند ای پادشاهی خود را داشتند  
رد و بحکومت رسیدن فاسدیست ها سرگار که بعده افتخار تین آنهاست در  
انتظار تولد ها خواهد بود و آنوقت نهیت بنا خواهد رسید - حزب تغیر-  
بیست آلتان این را نفهمد که اگرچه از نظر طاریش آن محدث  
دارد که سوسپال دیگران نیز مانند فاسدیم مدعاون دوست بوریلا انسس و  
سالف انقلاب پیروانندی است، ولی این دشکش از حکومت پیروزی ایشان بهره-  
های بیکری معنی نیستند - حکومت سوسپال دیگران بدین وجود نهیت  
لیمان، بدین وجود سازمان های تولد ای کارگران، بدین وجود حسنه  
مادیه های کارگران امنان ندارد - دقتاً از این طبق این سازمان غایت  
حکومت سوسپال دیگران از مهارت بوریلوان دفاع خواهد کرد - جمال -  
هر رسانی را خوش فاسدیم خردگردن طبق امثال سازمانهای کارگران  
ت از اعتمادیه های کارگران ترفته با احزاب سیاسی طبق کارگران-  
اول دادن فاسدیم فاسدیم و سوسپال دیگران بمحض اینست که حزب  
بیست وجود یا مدد وجود سازمان خود شریان هم بیکان عن دادند +  
لهم ای این دليل که فاسدیم همه سازمان های کارگران را خود من گند  
آن و شرورت شکلی جنجه واحد دفاعی طبق فاسدیم وجود دارد.  
یک کوئیست اممان با سازمان زدن از این تثییف اساسی، کارگران را  
اگند + مخفی وی دفاعی بحال خودشان رها کرد + و راه را مسری  
د رت رسیدن همیشه و نایبودی خود حزب و تایپ سازمان های کارگران  
ر گذشت \*

ز هرچند بجزیره اجتنبی خویم توانیم شد، تراوی میتواند آنکه نیز  
من شد که چهارهای جزو راه همینها برای حل بخراز توانده است.  
ر ۲۰ زانویه ۱۹۴۳ همین بیرونی همین را به مام کنسول اعلام نهضوب  
بد در اواخر فوریه نازی ها پاراگان آنکه را به آتش کشیده بودند و  
زب گیوهست را غلمانه ایشان کردند. بوز بعد همین بیرونی فرانسیس  
ادر گرد که حامیانشان را اسas را که آزادی همان، جلوی  
ت، تجمع، شکل و سایر حقوق دنی را میگیرد، مغلق کرد.  
و زیرا نظر فاشیزم شروع شد، بود.  
با این وصف در ۱۷ اولیه ۱۹۴۳ گفتگوی اعلام داشت که حدود چند  
پنهان هرگز جزو گفتگوی آنکه در زیره اخیر و طرفی کار آن همین  
ملا مسحیح بود است. اول واقعیت این شکست معلم طبقه کارگر  
الاخره بورکراس اسٹالنیتس را هم کنان دارد. کنان دادن که این  
از بورکراس و مختاره را به دست یاد این بیرونی شد اند این است.  
کنان قرار گوید که همارهای خوبه فاشیزم از طرق اتحاد با مناطقی  
فراسه ( " اینهای است های د مکاریک " ) و از طرق اتفاق اسراب  
میگویند با " بیرونی از د مکاریک " کشورهای خود صورت گیرد. بنا به این  
بهشت آبروی چدید، که در رکنله هفتم کمپین در تایپستان  
لورینز شد، تدوه های روحانیت در شهرهای سرمهیه داری بر سر داد.  
اون بیرونی د مکاریک را فاشیزم خواسته بود. واقع است که از عیین  
بن دو انتخاب اولین پنفحه تدوه هاست و از آنها که جنای از همینها  
بیز مخالف فاشیزم است و تقدیم کوینست ها در هدم جا سعن در پنجه  
جهجهه های خالق شد فاشیزم برای همارهای خوبه فاشیزم ... و مختاره  
بورکراس است. کنان موقع مارکه بیرونی خواست های طبقه انس  
تدوه های روحانیت در سرمهیه است و اینها همارهای خوبه فاشیزم و اسکله  
بورکراس د مکاریک ... بعد اصطلاحات اجتماعی این هیئت میگویند  
خالق در واقع شخصیم سیاست اقلاب سرمهیه ای " خنثیگی به تشریف "  
های اینهای است. و اشکال اساس آنهم دستیار این بود که  
جد اینهای بین همارهای خوبه فاشیزم و مجازیه بیرونی برای اراده راه مل  
خود به بخراز اجتنبی را درین دید. فاشیزم در مطلع جنین میگذرد  
اجتنبی است، حین اینهای است که این بخراز میگذرد و بخراز میگذرد  
و خانه خرابه را در جستجوی راه حل خواسته ای و بیرونی میگذرد  
داده، حین اینهای است که بیرونیها میتوانند با اراده راه حل خود اینهای  
تدوه های را به جمهور خود بکشند. در چنین شرایطی بخراز اجتنبی  
میگذرد اینهای طبقه اینهای را در تمام طبقه تهدید میگردند، بخراز میگذرد  
دست ستم بخراز یا همان دادن میگذرد. بخراز میگذرد و سایر اتفاق  
است بحرکت درین آئند. و پوشیده اتفاق و معمنی صحیح خاصی و قادر به  
براند اینهای این نظام و استقرار راه حل خود هستند و چهار بر منای  
چینی همارهای طبقه است که بیرونی لازم و بخراز میگذرد و بخراز میگذرد  
سازنی داده. حال آئند " رام حل " جمهور خالق مسلط خواهد بودند و  
این میگذرد. اتفاق و میگذرد و اتفاق احتمال میگذرد. جایزه میگذرد

ندایت کنند بیرکن، دلیلاً سیاست‌های سویاں دنگارس در گمک  
- مخاطل کایپن‌لایزم بود که راه و پرای رشد ناشیزم باز کرد بود بیرکن  
نقصدی توونه های سوییم از تاسیکاران خاده خراب، پیشه و زان در-  
سکسته، چوناں بیکار، و حق برس کارگران را چنان بیچاره و مستasel  
زد و بود که به صیان سربرد اشته بودند - سویاں دنگارس بیگانی  
جهج طبله کارگر طبه سرتیمه داری و اراده راه حل پرولتیری بیرا بحرا  
چشمچشم با سیاست کایپن‌لایزم آلمان سالمت می کرد - هنها آندرزا دنهوی  
نه این جو های مستasel را بسیع و به خود جلب می کرد جهش  
- افتشیت هشتیر بود \*

معهداء، بدین یک سهادست صحیح در بوده سوچال دکتر اس  
انقلاب در آستان مکن نبود. سوچال دکتر اس بنزدگان حزب آستان بود،  
تا امیر علیش اتحاد به های کارگری غالب بود، در آخرین انتخابات  
پیش از ۷ ماهیان رأی آورده بود و حملهون ها کارگر این حزب را برهمی  
خواهند شدند. این جوده های کارگر آناده بودند طبقه فاشیسم  
جایزه نگند، بدین اینکه هنوز به آن سطح از آگاهی سپاس رسیده  
باشد که به خانهای رهبران خود نیز بوده باشد و بجز کوئیست  
روز آورده. حزب کوئیست آستان با بنزت "سوچال خاکشوت" زدن  
برهمان سوچال دکتر اس را بهترین بهانه را پدست این رهبران می داد  
که از تشکیل جمهه واحد با حزب کوئیست در جایزه غایه فاشیزم  
سر باز نزدی.

سر باز روز  
اینکه طبق کاربرین اخبار متنظر، مهمنین آنها حزب سومالی  
و ذكريات و حزب کمونیست، منضم بود و اینکه فاشنیزم به خطیر انسان نه  
 فقط غلبه حزب کمونیست لیکه غله سومالی دشمن دشمن و خانی جانش  
 تحمل کارگران بود. شرکت چنین جمهه های واحدی را غیرور و مکن  
 نمی ساخت از دفاع از طرز احتمالیه های کارگر و مرآت حذف گرفته،  
 ط دفاع از جلسات، از احتمالات، از تظاهرات و حتی دفاع از حسنه  
 ایستاد ای کارگران که بوزنام خود را آزادانه پیروشید - در صدام  
 آن مواده مختاری شرکت نمی کنمیست ما و سومالی دشمنان را می بینیم  
 خوب است این و حیات بود - و دقتی صفا از آینه زر تجربه های روز مشتری  
 و اتفاق اینکه رهبران سومالی دشمنان خواه قدر بدهی ما زیاد واقعی  
 طیه فاشنیزم نمی بود که کارگران سومالی ذكريات را مکن بسند از  
 همهی خود جدا و به کمونیزم چلپ کرد \*

رهبری خود چند و به توکوم را از سایر اشکال ارجاع کارپیلیش می‌داند.  
آنچه که ناگفته شده است این بخاطه یک جمیش تهدید آی است. فاشنژم با  
سازه دلخواهیست آن بخاطه یک جمیش تهدید آی است. بحرازن کارپیلیزرم خانه  
استفاده از استعمال خود های عربه بوریزو که بحرازن کارپیلیزرم خانه  
خرابشان کرد، آنان را می‌سوزت چندش مبتکل می‌ای خلاش کردند که  
سازمان خای کارپیلیکاری خود را بخواست. همانها نیرویش که می‌تواند در مبارل آن  
ظاهرت گند و راه حل خود را در مقابل جامعه قرار دهد ظهیر کارپیل  
است. چنانچه رهبری صلح داشتند و در مقابل این انتظارها  
که در موسمی و پیشتر اگر انگلیخان چیزی بین اطراف استانیان  
نهشندند من زندگ که ماینین «محلوی طبقیش» دغیراس و فاشنژم نداشند  
جهت و پاسخهایش را بررسید که آیا معن حکومت برویش که حکومت  
نظم اعلام کردند و زد ما را چنین تقلیل دادند، اختصارها را غیرزا  
نمودند، آیا معن حکومت، ناشنیده بودند؟

نیوی گردید، ایا همین حکومت، سازمان را  
حریجه بسیار اجتماعی در آلتان حدود می گرفت به شرکت روشن می شد  
که در تقابل پروژه ای اقتصاد دنیا بود: اتفاقاً سوسایلیستی ما و پوشش  
فاسیستی. در طی سال ۱۹۴۱ میلادی میانه هیئت از حد هزار نفر به چهار  
صد هزار نفر بالغ شد - زو و خور، من دسته های نازی و کارگران هری  
نوعی داد - بهاراً ۶ سال ۱۹۲۳ به پنج میلیون رسید - بود - دست  
بزرگها و حد ذات اجتماعی بازیم تقابل داده شد - بود - در اختلافات  
نیات جمهوری آذربایجان های رای نازی های ۱۳/۴ میلیون رسید  
سویاً دسته دیگر اینها بجای جازیه طبیه فاشیزم از میلیونیست مخالفه کار  
هیئت بود - پیشنهاین کرد - همین بیرگ، پیوندگ را از کار برگزار کرد  
و فرانشون پایون را جانشین وی ساخت - پاین چند ماه بعد مکومت  
سویاً دسته دیگر اینها رسید - اینها محل و خود را به سمت خدر حکومت پیشگزرو  
خلاص کرد - در اختلافات پارلایانی باستان این سال نازی های ۱۲/۷ میلیون  
ملیون رای آوردند - سویاً دسته دیگر اینها ۲/۹ میلیون و حزب گهواره  
۰/۳ میلیون -  
در روزهای این دوره موقع خوب گهواره ایان این بود که اینها  
باشد - مکانیست - در طبقه کارگر پیش از هر طلاق زیرا برای شکست

جهان دهستانان را از آین طرق بگیرد، حکومت «جهنه خلق»، حکومت در جاهایی که دهستانان خود بخود به صاحب زمین دست ندارند بجهلگیری از آن کاربرد اخت، و با اینکاره هزاره هزاره فاشیزم طامه جهان نایابی زد، دهستان که جلوی مازمه اش را از زمین گرفت ند، بود پس دلطبیه ارشادگری ساخت «اطمار برقراری» بوزیران مکاران<sup>۲</sup> حکومت «جهنه خلق» برای حلقة نظم بوزیران شروع به مس آغازن متعالع استراتیک شد، از کمیته های کارگری و از همه اینها مهرش شروع به انسلاخ ملتهای کارگری و ساخت، ارتقا، تأمین، توزیع، توزیع، توزیع.

جهیز شد از ترکیب و میانه های خلخال "جهیز خلخال" آنارشیست ها با در تقابل این اقدامات حکومت "جهیز خلخال" آنارشیست ها با  
نهضه های ماهیت دولت و ساخت و ساز گرفتار نمودند، و سازمان های  
POMEU با مواسایات و دو لیل های پایان نایاب بر راه راه برازی شکست های  
اویه چشم خود ای مسوار کردند و خود آنچه حملات بعدی حکومت  
جهیز خلخال "شدند" حکومت "جهیز خلخال" بیجا به فریب  
فاسدی زیر دستگیری کارگران مجاز و گذشتار رهبران آنارشیست و  
POMEU مشغول بود، با هادا "بونویل اسپرال" از ترس انقلاب اجتناب نمی  
باشد.

با شکست میارزات طبلایان راه بروزی فرانکو در چنگ داشتند. همچنان که در اینجا نیز کنگره نظامی اتحاد شوروی پیش از آغاز انقلاب پیشتر بود که از پیروزی ارشت فرانکو و برای اتصاد شوروی حفظ نتوانید با این تابعیت و فراسایه بهتر بود که پیروزی انقلاب اسپانیا، خسته کرد. میان افراد اهل شدید.

کارست سیاست "جهه خلخال" محدود به تحریمات قبل از جنگ  
جهانی دوم نبود - پس از جنگ نیز همچنان طبقاتی بین از پسروری  
مکاوت غیر فاشن و بروز احزاب کمونیستی به حکومت های بولیواریس و  
خواهاند های را این طبق بود که پیشکش شناخته شد - پس نهود  
از این سیاست را در ایران هم با شرکت جزب تولد - در کامپانی قلوا  
دیدیم - آنده وجد شترک لنه این تحریمات است اینست که بولیواری  
با شرکت احزاب کمونیست در حکومت از تغییر آنها بر جهت نهود - ای های  
"هلکوکون" چشم و چلوکی از بسط آن استفاده نماید - با ضعیفی  
و سرگم چیز آنها در این موقعیت قرار ن گیرند که محفلات  
منظمه طبی آن دست بزند و حکومت قوی بولیواری و نیا در صورت لشروع  
دیگران خوبی نظایر برقرار سازد - برخلاف توهم احزاب اسکالپیست سازی  
طبیعت را به همها جلوی "تمدنی بولیواری" و "پروردگار" "جنای دست راسخ"  
را نمی بیند - بلکه با خواهاند جهش تولد - ای راه را بروای ارجمند  
بولیواری همراه من کند - چهل سال پس از شکست اتفاقات اسپادا و مس  
سال پس از شکست های را از جنگ همراه احزاب کمونیست در پرس  
ایجاد اتفاقات بای بولیواری - درین "سازش باریخی" اند .

در مازاره طیه این سلسله سیاست ها ، چه در سطح ملی و چه در سطح ملیت دستخط میان الطبل ، بود که اینها میتوان چنین و بند های میان اسلام چهار را بخود شکل گرفت . از همان ابتدای ایام علماً مارکسی فوروارد اسماً اهل ایران طیه ناهنجاری های بورژوازی بجز افراز شد ، چه در سطح خارجی برای د مکاری اسماً حزبی ، چه در سطح مسائل سیاسی داخلی شرکی اخیرین بسط بیرون و بر زمینه صنایع سنتی ، بسط تد بیعنی و آدواتیمانه کشاورزی اشتراکی ... ، چه در سطح مسائل انتقالات مهارتی در کشورهایی که خوزستان را پک داشت نرسیده بود انتقالات چین ، کوهه انگلیس و روس ، هزاره طیه فاشیزم در آلمان ، هزاره طیه سیاست جمهوری خلق ، ... اوچه در سطح بسطو و کامل تحریر مارکسیست و استراتژی انتقالی ( تحریر انتظام بورکاریا ) ، فاشیزم ، برناش انتقالی و غیره اراده های پنهان خط مش چهارگانه اولین این اقلال سویم . اینها آن جایزات و آن مسائل معتقد که نیکان به میک حریک قلم از نظر مارکسیست - لینینیست ها نامروضه اعلام ندارد . ما ملاحظه می بدم این که کسی کدام مسائل به مارکسیست - لینینیست هایی که نیکان بده اشاره می کند معرفت است ؟ لاؤ برب این این گواش از مارکسیست - لینینیست ها نداش - چه مازاره شناس ، چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی اینها هستند ؟ چرا در مازاره طیه ناهنجاری های بورژوازی بجز از لز مرگ لینین سادمه گردند و مجهیزه اند از مازاره شناس در طبع بخت نداده اند ؟ این مارکسیست - لینینیست ها در طلب پنهان سال اخیر

سقراط مجدد همان سیم استخاره بزم قدمی است و دلایل این دلایل جایزه طلاق فائز خواهد بود که شکست می‌شود. برخی از این دلایل توهین اسلام حرم جنی "بیوی‌واری دکرایت" و بیوی‌تلایا در "جهمه خلقان" دندانشیست می‌گذروند. جهنه خدا تالیشی نیز از این دلایل است. "بیوی‌واری دکرایت" می‌گذرد از طلاق فائز خواهد بود که در قرض هم که در جنون هارزه ای دیگر برآید واقع های علی می‌درجه و می‌سرد سقراط استخاره جهنه بیوی‌کارایت و معهد اینکه بیوی‌تلایا از گفتم بیوی‌واری دلایل را با فراتر بخواهد بهاد نیست. در عمل هر دو یکی به خانه می‌گردند. این دلایل از اثبات طبقای با بیوی‌واری بیان بیوی‌واری از صام می‌شود که با غایل سلاح کردن سیاس بیوی‌تلایا موقوف به جلوگیری از اثبات و سقراط مجدد بزم طلاق دارد و می‌شود.

سهامت "جههه خلخ" ایندیا در فرازه (از او اخیر سال ۱۹۲۰) و پیش از راهیابی ۱۹۲۶ اکنونست بد. "جههه خلخس" در فرازه بشکل انتقال انتخابات بین احزاب کوئیست، سوسیالیست و حزب پرورشی را دیگل بود. انتخابات ۱۹۲۶ (لعن یاروم) رهبری حزب سوسیالیست، را به صدر حکومت نشاند. این پیروزی انتخاباتی میزان را تهدید و میلیون ها کارگریه اعصاب و اعمال کارگرانه ما دست زندد. رهبران حزب کوئیست و حزب سوسیالیست پیغای سازمانده هن آن میزان را همیشگی آن غمی قائل شدم و طبق رسمیت داری تمام معن خود را در مدد و کردن و خواهاند آن میزان را بگارند. پیشنهاد که میاد "پرورشی د کاراپکه" از این انتقال احتمال منس "به آتش شیرین" بینند. استالینیزم می خواست جلوی یونکار آمدن باشیم را با این وعده به پوروازی که انقلاب اجتنبی نخواهد شد و احتمالی به کشاورزی نیست بگیرد. پوروازی فرازه نیز نیز از آنکه با استفاده از این نقص احزاب رفرمیست و کوئیست توانست تعداد دل و کار است رکه اش را بدست آورد شروع به حمله به کارگران مایز و مجامیل خود حزب کوئیست گرد و آخراً از نیز در مقابل هیئتیں همچ جایزی ای سرگرم کرد.

ولی شاید در هیچ کجا می‌باشد "جهه خلق" نتایج فتحیم از نکت اتفاقات اسماها بمار نیاورد. در اسماها بین اختفایات اورن ۱۹۳۶ حکومت "جهه خلق" را برق کار آورد. از نظر تو ده ها پیروزی حزب کوئیست و شخصی حزب سوسیالیست که تبروند زین حزب کارگری در اسماها بود اوضاع را برای شدید چارزات بسیار مساعد نمود. بدینالی پیروزی اختفایان چارزات تو ده ای شدید بالغ است. همان‌طورهای ملکی و کلیسا را صاحب می‌گردند، کارگران کار-شانه را اشغال کردند، تحت تکلف کمته های ای راگری. آوردهند، ملیمی های کارگری دیگر جنگ طهی مانده های فاشیست و بزرگواری نظم خود پسر خانهایها بودند. در ۱۷ رویه ۱۹۳۶ ارشادهایان را مراکش پروردیدند. هزاران فرانکو طهی حکومت "جهه خلق" سرمشور شدند. واکنش فویوی بولنایی اسماها در مقابل این ظلمیان فاشیست، از طبقیت حامی های کارگری و سایر ارگان های خود پیویستی دفاعی حیرت انگیز بودند. در سراسر اسماها ارگان های قدرت کارگری شروع به ظهور کردند. بخصوص راکاتالوئیها که درست کمیتی مراکزی ملیمی های خود - فائمه‌ها، زین ها در صاحب دهستان و کارخانه ها تحت نظارت لشکرهاي کارگری بودند. شاید در هیچ کجا دیگر فلان راهی انقلاب به این وضع و به این قراری کن تائیر خود را بیش نداده باشد. از این اولیه فرانکو هشکار از سیاران احمد مرزاکیش بود. احتمای استقلال به مرکزی از طرف حکومت اسماها من عوایست فویوی باهی این ارشت را خواست. ولی چنین اقدامی با می‌باشد سازش شوروی با مرتضیانها و فرانسه معاور داشت، چه متن بود که این احتمای استقلال به جنیش‌های استقلال مطلی در مستعمرات فرانسه و بین‌النیا در شمال آفریقا نیز فیروز نازه ای بیفشد. از طرف دیگر ظهور ارگان های قدرت کارگری در واکنش به ظلمیان فاشیست ارگان خود نظام سرمایه داری در اسماها را بخاطر اند اخته، بهم آن می‌رفت که اتفاق اجتنابی حقوق اسلامی‌بین‌النیا با این‌الیست های د مرکزیه "را در مخفیانه بحالیم سپتار اند ازد". بهر قیمت منیاده جلوی اتفاقات گرفته شود. حکومت "جهه خلق" بعدهای سیم و چارزه طهی فرانکو شروع به حمله به دستواره مسایی چنیش خود ای کرد. جلوی دهستان را در تصاحب زین ها گرفت. بعدهای اینکه با توزیع ملاویش زین به می‌علقان ها بایه وجود ای فاشیسته در میان اشخاص خرد بورزوی را نهند کند و جلوی سیار ایمنی فرانکو دارد.

عیاره طلاق، چه اگر، در کجا و به چه شکل، به پیشتر این مبارزات تردید نداشتند و چنین است که بازی و در این چند مناسبت اخیر به این قدر افلاطون اند که باید به حلبلوپ و شرایط جامعه شوریز و جهان پیدا نماید این چنین گذاشتن اتفاقی است که از زمان برگشتن ک این اواخر ترجیح داد سکوت برگزیند طنزابی یعنی دوباره سراسی ظهور آن اراده شود؟

برخلاف این نوع مارکسمت-لیپهیست ها، پلشونک هایی واقعی  
در طابل ناساعد این خرابیت حساب نموده، همانزه را از قبیل شکست -  
خورد - و بس حاصل طلاق نکردند و همانزه خود را همان در تمهیمن  
این شرایط می دانستند - همانزه ایون-سین چه اینقدر چشم اند ازش ،  
"اصلاح" پورگراسی و گھنیمن بود - حتی که تحسین انقلاب پیرولیتی  
را به پیروزی رهبری کرد - بود پیکاره (و با مرگ لدن اسحاجه) بهدا  
عن گند - هدف همانزه ایون-سین چه در این دوره اولیه چلوگیری از  
گشتن مرغوب بازگرداندن حزب به سهر انقلابی بود - بهمن دانسل  
هم حتی پس از اخراج ایون-سین چه از حزب پلشونک و طرد از آن آزاد  
سایر احزاب تکوینست، ایون-سین چه بین الطلاق خود را فراگیری  
از تکفیریان من داشت و بیارها اعلام داشت که تاملاً حاضر به قبول اندیشه  
حتی و یعنی در عمل از سیاست اثنت که میتوانند و بازگشت به کمیتهن  
است و برای سیاست مای خود - از جمله برای احیای د. مکاریس دیدن  
حزب، حاضر است در داخل گفتگویی بجنگد - درجه اتحاط حزب  
پلشونک و گھنیمن را از قبیل و صرفه بر جای مالک-میرزا علیحدیت تعبیه  
کرد - اثبات لا عالمی مرغوز طبق مذکون همانزه زند - طبلاتش لازم بود  
حتی پس از بیوی کارآمد همراه و هلاش شدن سیاسی حزب گورگیست  
آنچنان ، که چه ایون-سین چه بین الطلاق خبروت ساختن حزب انقلابی  
خدمیدی را در آستان اعلام داشت، ولی هنوز بیر این خدید - بود گسته  
بورگراس استالیلیستیت، دو رواه و رویهش ادارد - بجز این کامل اینها هست  
گذشته - درین آمریزی از آنها و سروعه اصلاح خود - با مرکش خلقان  
کامل هرگونه کمال زندگی سیاسی د. رکیمیتن - رهبری استالیلیست  
با تأیید سیاست های حزب گورگیست آستان را - دوم را برگزید و تکمیل  
احزاب گفتگویی در طابل این تأیید خاموش و سلمی شدند - دیگر پوش  
بود سازمان که با رسیدن فاشیزم بدقت طلاق نخواهه باشد - احرازی  
که در طابل بقایات بورگراس بستکوت سرخم گشته ، سازمانهای مرد -  
اند و همچ چیز خل هواند دم خاکش در آنها بیدند - نکلف از این طاریخ  
بعد بود که ایون-سین چه چشم اند از "اصلاح" گفتگویی را گشوار  
نهاده - لذوق ساختن نکه بین الطلاق جدید را اعلام داشته - خود را  
برای بیان اندیشه احزاب جدید و بین الطلاق جدید آماده ساخته -

وتسکنیم چیست؟

همه گایانه که تکون ادعا کرده اند "خوشبختیم و استالیمیزیم" دو روی یکه سکه اند " ظاهراً پنهان روشن نکرد " اند که اینچه نظر و رایا و معلمات دنیوی یکه سکه اند " ما در حالاً سمعی از مکرره استالیمیزیم را منتصراً میرویم که در میان دهم استالیمیزیم بعنی چه " کاشان " دهم اعیانیت میارازات اپریلیستین چه و از این طلاق آن با مسائل مرگ و زندگی " میارازات طبلقان چه بود " ای " آنها که ادعا که نکند " خوشبختیم و استالیمیزیم دو روی یکه سکه اند " باید میان دهد که مصلکیزیم توکلکنیم " در و بر پریشان با شکست میارازات طبلقان همین گزنه بسود " ایست و با توضیح و تحلیل " میگیریم " این شکست هایی بین دینین الملاحدجهانی داشته باشند " و گوئند " خداوند " این ها دو روی یکه سکه اند " با این اطلالیون و پرخوردان غیر مستلزمه با یاری خوده میارازات طبلقان و کمالیه کشور ایست و با تحریف و چهلک آغازهاد " در مرد و هنریه توجهه طعن این نیکسان ایست " یعنی در آن دنیویه دونی از برخیاست اقلیانی جهانی ، که در عین طالع فکرها با بحران میق رهبری های سُبحانی (استالیمیزیم / سوسیال د مکاریس / کاتسوبولیتیزم) و ماقولیزم ایست ، و ترکیب و گذشتگان این دو مکان تحریره بهداشتیان القسر و محسن از زینهاد گان میانزه طبلقان شد " یکه حافظید در حل سیاست های میارازات طبلقان را دنبال نکند و ده عکاستهای رقیعی های گذشته را " در چشمون شرابیط پنجای کمک به روشن شدن تصریفات اقلیانی و شکل گیریزهای اقلیانی " یعنی میادم نظاره ای در سر این راه میگذارد \*

پس از چند جهانی دور، پیروزی انقلاب در بوسنیا و مونته‌نگرو  
جادش‌های توده‌ای که در رخدادی که در هزارات طبقه فاشیست و اینهاست  
را این، تحت رهبری احزاب کمونیست پوشاند و چنین، به این پیشگفتار  
رسیده بودند، استقرار دولت کارگری در این دو کشور، هرچند بسا  
نامهنجاری‌های پوزیرگاریکه، و درگیری‌های این‌ها شرقی، هرچند از حد  
تولد ناقص‌العقله؛ و شروع دوره تاریخی قوس معمدی انقلاب جهانی،  
شرایطی اساسی ای را که پایه اکتشاف و تحکیم پوزیرگاری انتظامی‌هست  
و سلطنت مکنم آن بر احزاب کمونیست بود، یعنی افراد دوایت کارگری  
شوروی و بورژوای فروشنده‌انقلاب جهانی، از مان برداشت + الرجه بهاظهر  
بسیط نفوذ سلطنت شوروی در اروپای شرقی پیویستی ای بواز اسطال‌پیویسته  
پیشار آمد، ولی امن بینندگان، همه را با پوزیرگاری انقلاب چشم +  
پوشاندنی که درد و برخلاف خوبیه اسطال‌پیویسته سرانجام رسید، نفعه‌ای  
ملائکی شدن اسطال‌پیویسته را دربرداشت + نقصن ظاهر این بود،  
انشقاق طی بنی هند و اسطال‌پیویسته + ولی بهترین نفعه را اخلاقیات  
بنین چنین و شوروی و بالاخره انشقاق طی این دو بورژوای‌ساز هم واارد  
آورد، همان بورژوای‌ساز های طی، برخلاف حافظ طبقه کارگر، ماهیت  
بینشتر با هم صادر دارند + این‌ها این‌جا در این دنیاچارگیکن  
استال‌پیویسته درجه جدیدی از تغییر ترکیب و نویازاند هی چالش  
کمونیست شروع شد + بدین‌هاست که چنان فرازه تغییر ترکیب اشغال  
تھمتوی بخود کیورد + طعن چندی کمونیست، یکشیه، ازدواجی  
اسطال‌پیویسته به مواضع طارک‌پیویسته اتفاقیان تغییر جهنه یعنی مد پیشگفتار  
که این تغییر ترکیب بعد از تخت فشار عوامل علی رعیت داد + اگاهانه  
و برمی‌گیری شوری چاع اتفاقیان، ظهور مجدد کیا بشاهی ساخته‌ست  
در گشورهای منطقه برآیده طبقه چنین شرایطی است + گوایش‌های انس  
که تحت تشارک عوامل عینی و با آمزش‌نایان و با تحریمات بالغور و منظمهم  
خود به انتقام‌گیری از پیش موافع گذاشتند خود دستی زنند + طغی  
ظاهر اینکه حق پس از بدمجه سال ایس به این فکر پیوسته که باید شرعاً  
پیده جامعه شوروی و جهان را تحلیل کرد نا ذید چرا اسطال‌پیویسته سوز  
کرد قد مسیار مهیی سمعت مواضع ما را کنونم اتفاقیان است + ولی اگر این  
قدم اول اگاهانه و با کنیه به تقویت اتفاقیان تعمیم نمایند خود مایمی  
من شود بیسر راه برداشتن قدم خای بعده + ولی رسیدن به این  
نهجده که حافظ مبارزه طبقه این دریک کشور تایید داد همان بورژوای‌ساز  
شوروی شود و بیاست احزاب کمونیسته تیادی تحت محیطت چند جزوی  
جز، کمونیست شوروی باشد که اند مسیار مهم سمعت مواضع طارک‌پیویسته  
اتفاقیان است + ولی اگر این قد اگاهانه و باید جنایت تقویت اتفاقیان تعمیم  
نمایند، اگر ششده‌ند داده شود که در واقع حافظ مبارزه طبقه این دریک  
کشورها حافظه داشت + ولت کارگری شوروی خنادی ندارد و داشتند این حافظ  
قد ای همان بورژوای‌ساز داشتند شوروی میشد + این قد بحالو می‌تواند بجزای  
نهجده بست اندراستیونالیزم تقدیم بخواهد سمعت ماسنیه‌العلم توجه  
شود + ولی خود و لزوم خود کفایان " تقدیم و راه حرکت لازم است  
اندراستیونالیزم، سمعت این‌دریای این‌اتفاقیان ای که بنی اطلس چهارم دریا  
بل این گواش‌ها می‌گذارند، گردند +

ما در اینجا وجوده، نظری اساس این اتفاقیان ایضاً خالص‌جهن‌گذشتم  
و از محمود پیشکار، و با هر مجاز ملک‌گذشت دیگر، دهون من کهیم کسه در  
نوهده های آنکه خود در بود اسطال‌پیویسته و آنکه اسطال‌پیویسته نظرخواه  
را در بوده این، وجوده، که بمنظرا مهندین و اساس هنین دستواره‌های  
شوروی اتفاقیان در عصر کبوش است، روشن کنند + اگر آن را خلاف تراویث  
های عین مبارزه طبقه ای، می‌دانند، پیشه دلیل است و اکثریان بخوبیان  
چیست؟

\* این انته به معنی عکس انداختن موقعیت همیز چن و شیخیان در این مصاد پوپولیست بود که نتیجه آن نیست + در این انتخابات همیز حزب کمونیست چن + در آن زمان + در مرور روک سلطنه مسائل اقتصادی را اندیش کرد که بعدها با راسخی انقلابی مبارزه نمود. پس از مسعود کا موضع پوزیر اس شوری از در مرور "هنرمند سال است آفریز" + "جنایه ای انقلابی در تکثیرهای سنتی خواهد و شبه پیشگیره" + "راه سال است آفریز به سوچیالیزم" و رابطه بین احزاب کمونیست با حزب کمونیست شوروی + برای بحث خصل در این سال در جریان شد به محولات تکاره های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۶ بین اغلب چهارم + این یاره \*

همهیه کسب آن در تجارت میباشد بدست پرورانشان را تبلیغ میکنند اینها را فرازه بندی نشانه آفریده است - دزد و دزدان مطلع که دزدان انتقال از سرمهایه داری به سوچالنیم است، گزارشی های این انتقال هایی خستگی و پیروزی بدایشون همان های معنی اجتماعی و شرایط پیش از انتقال است - در گذشته های سقطه شدن داده و بعد از دزدان شرایط بود - همچنان ویسیوس وارد هزارات من شدند که از چارچوب مجازات روزمره قبوری خارج شده و از نظر عین مسأله "کدام طبق حکومت من کند؟" را در دستور روز قرار می دهد آنچه مکنند این فرست های اتفاقی را پیشکش کنند - ناچار بخواهند آنها شرایط عین و نایخنگ رهبری اتفاقیان پیوپوشی بوده است - برخاست انتقالی ما شروع از نیازهای همین جمله و سطح آنها صد های از ترقی سازماندهی این هزارات به مجموع خواست هایی که بیانگر نیازهای صد ها است و در جامعه خود متمدن به سرگذشت حاکمیت پرورانشان من گردید - راه فلسفه براین ناچیزیان را شناسیم دهد - پوچه انتقالی درین حال که هماینات طبق انسانی و درجهت کسب الکتریت بدست پرورانشان سازمانی من دهد - علاوه علیه اینست که پس از کشیده الکتریت نیز دوستگاری شروع به اجرای آن من گردید - زیرا خواست های این برآورده از مردمیان گرایش های عین دزدان نا و صحنه های انتقال به سوچالنیم شخصی شدند - آن دستور خالی خواست میباشد تماشا - عذری خواهند و متعارض با این اتفاقات شدند - عذری هایان گز نهاد فوری و پیش از مجازات روزمره اینها در شرایط پروران اقتصادی را کوکی، هزیر و میکاری میگردند و همراهی خواهند داشت - همچنان که وارد هزاره شده - اند گلبل دزد میگردند و هماین از اینها گذشتند - آنها را به جهت تهدید های دزدان پرورانشان میگردند - در حق دزدان گذار به سوچالنیم غیر مطبوع مستعاری و با برداشتم یاد میگردند اینها گذشتند

پسندیده اند. میتوانند این را بازخواست کنند و این را در میان افرادی که میتوانند این را بازخواست کنند معرفی کنند. این روش بسیار مفید است.

اگر این خواستهای برخیارهای مجازی تبدیل شوند، پیشتری ممکن است باشند و اگر این خواستهای سنسکتند که وجود آنها بسیار محقق این خواستهای بسط دارند، آنگاه مجازی برای آین خواستهای نظریه شروع مجازی برای کسب قدرت خواهد شد، مجازی برایهای حداقل را درجستهای و سانسورهای، مبنی اطلال گویندیت مجازی برای نیازهای شلوغی پیوپلایران را به پیشمند نمود - مجازی برای یک سیستم از خواستهای که در رکابیت خود قدرت پیوپلایران را ملاقاتی می‌کند، پیوپلایران را سازمان می‌دد، مبنی مراحل از مجازی برای دیکاتوری پیوپلایران بود، و هر یکی از این خواستهای خود میان نیاز و معنی تبدیل می‌کند، ولو اینکه خود تبدیل می‌نمود آنکه طرفدار از دیکاتوری پیوپلایرانی باشد... "امتداد مبنی اطلال گویندیت، خلیع سابق الذکر، جلد اول، مطالعات ۱۴۸-۱۴۹

آن چون بناهای ای قرار گردید هم در سطح بخش‌های کمپین‌در  
هر کشور و باید رعایت گرفتن اختلافات انسانی موجود بین ساکنیان  
اقتصادی و سیاسی تکثیرهای مختلف اخلاق‌کثیرهای صنعت کالایها-  
لیست و تکثیرهای مستمره و شبه مستمره، و هم در سطح برداشته  
کل کمپین‌بندی در فریله شود (رجوع شود به قلمروهای گذراه  
کمپین، دسامبر ۱۹۶۵ و دیواره برنامه‌ی این اقلال کمیسیون، سیمین  
 فوق‌الذکر، سالهای ۱۹۶۷-۱۹۶۸) با استبطاط و لاتارکی پیروی  
و استلطنهای شدن کمپین و تکار گذاشتن چشم ادار اقلال چهارس  
حدّ و خالق این دلایل و اتفاقات بین اقلال سوم نمی‌باشد (این‌جور  
خدمتی اقلال می‌نماید).

www.IBM.com/ibmsoftwarecenter/infoproc.htm

تجهیز ثابت کرد - است که باور واقعی پیروزی انقلاب در یک تک روستا میگذرد و پیروزی آن در سایر کشورهاست، وند حالاتی با اینها - خبرم و طرفه ای از بیرونی از کشورهای شبه ساحرمه - آنچه واقعاً سه کش دلت و لش شوری رسید و بالاخره انفراد می سالانه آن را در رهم شکست میگیرد - همچنان سلطان و دیگران امتحانی که استانیون در عرض معاہدات چهاران، بالآخر، و پسندامه اینها میگذردند - پیروزی انقلاب چشمین بود که حساب بیرونی از طبقات در سطح جهان را درگیر کرد و از این ساعت بیان نیستن یار شرایط را برای حرکت بسته ایجاد دول خصوصی کارگردانی فرم آورد.

تجهیز تایبود کرد و این کسب کرد رت سیاسی انقلاب پروران  
با این نیاز باید «ملکان پرورگران ایلک» نیز تواند جلوی مبارزه بعدی را باشد -  
الا بد نگیرد - «انقلاب فرهنگی» چنین ، ازوجه به صورت بسیار ناقص  
و همچنان در آنکه کشکوهای چنان خارق منظقه پرورگران ، مع الوصف  
شناخت ای بود از لزوم در ادام انقلاب پس از کسب قدرت سیاسی »

دوین دستور داده است که خودکشیم تحلیل آن از تهاجم دولت های  
کارگری بورکاریه و استالینیخ است . همانجا گفایش کارگری که از بد و  
بد ایش با همچاری های بورکاریه به تحلیل ( وجازه ) این سا -  
همچاری ما پرداخت، و بنای معلم و بروکاریه این احاطه را پیش-  
بینی کرد : راه حازار بر طبق استالینیم چه درون داخل شوروی و چه  
در سطح جنوبی کوپوتیچ جهان را نشان داد ، ایرونیون چین و ہین -  
الطل چهارم بوده است . نکست های تکر اسلام جهانی که در رسالا  
پایانه اشاره شد ، مظلومانه مغلوبین و عده قسمت تبعیق  
نمایند زم انقلاب چهان و عده روزان مغلوبونها خواز ، صحت تحمل  
خودکشیم را از نقش ضد انقلابیم ثابت کرد . است . همچوین  
سازمان که در داد و لغت های کارگری ناقص ، اتفاق و حد تاریخی شرک  
شروع شد و هدین باز نا سطح مجازات و معنوی داد و ای انتشار یافتد ،  
همیشی اساساً سیاست اقتصادی را میگذراند را شان داده است .  
یعنی ظرفی اساس انقلاب در این کشورها برآورد اختن بورکاریس و بر-  
قراری نهاد های دنگرانی پیوچنی ، نهاد های انتقال کارگری که بطور  
د کارگریه صریح باید ، نفوذ کله امپرازیت مادی و سماوی مأمورین ولش  
و پارکتیه که قواعد نهاد میراث پیوچنی را نام سطح جامعه از خود و  
توییز گرفته ط فرمود و هدف .

**سیون این دستاوردهای پیرامون انتقال است** - برخلاف احزاب کوئینویت و فرقه‌یست بیش که انتقال از سرمه به داری به سوچاپسزم را یک فرایند مالامت آمیز و دریچیز طلب، مرکبند، هارکیوزم انتقال

کارگری کرد اطلاعاتی نصیحته کلیه دارجه هستند این روابط می وسعت در جدیدترین سرویس های اینترنتی از سایر جاواریت بوده است.

اینها بطور خلاصه، مهمترین آن دستاورد عالی است که این روزه  
بسی جوانی از اقلایان را بضرف تروکسیلرم بحقیقیت هنر ابتل جهادیه،  
جلب مکتد و احسان طبری و پیروان اندیشه ماوسیده در "را و می" -  
دارد که جملات کهنه را دیواره غله تروکسیلرم گرد گیری گذشت و هر چند  
دارند همچنان اهل را و می دارد که دن گیتوت و فر، یک هد و سلطان  
به "مارکسیزم مستغل" [از مبارزات طبقات] "میر فریان" بحدگ این خلف  
بورسیده بشتابیده، که هادا "عدمی" هرچند مدد و بسراي  
دش، هرچند کوتاه "از سراط مستقیم" بنست آنایند "منحرف"  
شود و با مقول خوشک اثکون بجهت پیشگام اقلایان برویل را است <sup>۲</sup>

لیسته ملکیت ایران

## استالین چگونه اپوزیسیون را شکست داد

محلاتی با نکست های زیر آیدند: سون، چپ پرده، بورکارس، طبیعت  
ط حدی بسته راهبران دوارد و مخاطم سفلی داشت. ولی قتل  
از اینکه از این ملات صفت کنیم باید سخن خصوصیات خود امسن  
دوارد و مخاطم را بشناسیم زیرا که بهترین رعدی راه طرف سکنی  
است برای طرف دیگر کاملاً ارزش نداشت، و همین طور پر عکس «سولا» بیش  
نظری «چرا توکسیک ازدستگاه نظامی پرده بوده استان اسپانیاده  
نمکو»<sup>۲</sup> - سولا حق که این بوزارها مخلص رایج از خلیل هم بگذارند  
است - بروزمن درین وجهی نشان می دهد که سوال تکدد نیز می خواهد  
و با نی تواند دلالت کنی که این کلمه بورکارس شوری را بر پیش آمد  
اعطا کنی بولندا را بفهمد - درباره این دلالت بعثت از یکباره در چند من  
کتاب از جمله در انتسیکرافی خود نوشته ام - دراینجا همه عنوان نظیر  
آرد - چند خط لعله ام و کنک -

شام پیروزی انقلاب اکبر بورکاراس فعلی صورت یافته، بلکه این نقش را خود هایی کاگر و ممتاز تحت رهبری پاشچوک ما بعده داشتند. بورکاراس فقط بعد از این پیروزی قطعنی بود که شروع به رشد کسرد و افراد مختلف آن نه فقط از کارگران اقلایی بلکه از جماعت‌گان طبقات دیگر نیز من بودند. «کارگران آن ساقی خوار، اسران، روشنگران، حملیان و سایرین» اکثریت غالب بورکاراس فعلی، در موقع انقلاب اکبر در ایران پیروزی نداشتند. اخلاق اسلامیان شریعت پیشکن Russia، ماسکو Moscow و تریپولسک Tripoli، سریان Syria، داشتند. خوشبودی Khushboudi و سایرین آن ده آن افراد بورکاراس فعلی که در زیرینی اکبر در رجیده پاشچوک ما بودند، اقبال میهم نداشند، هرچند گیرم اهمیت، چند در دراز کار و چند در پیشورد انقلاب و لولین سال های بعد از انقلاب ایجاد نگردند. این موضوع از همین مشکلترین و پیشنهادهای اسلامیان مدقق می‌گردد. بورکرات های جوان فعلی هم، همه مشکل و تربیت شدند. بورکرات های قدیمی هستند و اطمینان از این اتفاقات فرزندان آنان ایستادند و پس این کاسته همه نار، که بعد از انقلاب رشد کرد، شخسم اسلامی است.

نارخچه جنیش اتحادیه های کارگری در هر شهری نموده است  
نارخچه احصایات و بطور کل جنیش های تولد ای بالکه طبق خود  
تشکیل بورگراس اتحادیه های کارگری نیز هست + بلکه رفاقت روشی  
است که چه غرب معاشرانه گارانه عظیم این بورگراس را می باشد است  
بلکه این اتحادیه های بورگراس اقلاق و همان "عده طبع" خود

\* استانیت ها درست برگشتن عمل میکنند: در آوان جان گرفتن اوضاع  
اقتصادی و تعادل سین سپاس آنها شعار ندادند: "فوج  
خیابان ها", "بانکار", "شوراها مهد جایها شود" (ردیفه)  
سوم او حالا که فرانسه در ده و آوان بحران حق سپاس و اجتنبی  
بسیار بود، از حزب رادیکال، معنی ازیک حزب پیویستی کاملاً مستعطف،  
دنباله روی می کند. کنی های کنکه که اینطور آدم خار مرا میسم  
عروس، هاشم سر من میدم و بالمعک، هنگاه هم میگذرد.

در راه تحقق پیشیدن به امنیت‌سازی‌البغیر می‌گوشت. بنابراین از طبق دین  
شعرات "لکور" سوسایلیزم در یک شکوه همین پاشت گردید به تلقی‌گذاشتن این  
سازه‌زدجهای در راه سوسایلیزم است. امنیت‌سازی‌البغیر به اصل  
تجزیه‌ی اخلاقی می‌ست. از شرور تصریحات مانعه بروانان  
و عده‌ی ما زحمتش را سلط جهان در حمله‌های کلان طبق شرعاً می‌نماییم -  
ذایری جهان و همچنان از تراویط‌های پیشرفت جامده بشرق در این  
سلع از انقلاب نیویورک مولده، مرچشمده می‌گیرد. اگرچه پیشوای  
انقلاب چن از نظر این طایفه بسیار بیرون‌بودنی بر توسعه چندین همای  
الطلائی دست را نشسته، و مخصوص کشورهای اسلامی و شبه ساحمنه  
گذشت، اگرچه پیشوای انقلاب کها به مخصوص تأثیر ملیونی بر آمریکای  
لا نهن مهداد. ولی به این طنک است که عجیب نیک‌آمیان دو رهبری پیشاند از  
بنیان گذاری من بنطل جدید و ساختن رعیتی اقلایان در سلطنه  
جهانی را انتقد. بعد و بین این طایفه‌سرعت خود را شناس داده در  
سایر کشورها نیز گراش‌هایی که از تجویه نشسته‌های گذشته در رکشور  
خود به این پیشنهاد رسیدند که خالق جان را نایابی نظام هاشمی دول

## استالین چگونه اپوز

[سالهای زیر را از آن بین تقویم گردن و تقویم در تقویم ۱۹۳۵ هنگامیکه در سپتامبر در تقویم بسیار بود دوست - این مقاله در اصل مبنای تقویم روسی است. تقویم این میلادی شماره ۴۷، بین نخست دسامبر ۱۹۳۰ چاپ شده است. این مقاله او این نظر جالب است که تقویم داران تقویم خود هستند که چنان از این تقویم برای جلوگیری از پرسیدن احتالن یکدست استفاده

فرودکن این مکان را در چهار باده فرد زلزه Fred Zeller دیگر سازمان جوانان من سازمان نوشت + فرد زلزه از اعضای عمال حسنزب سومیا پیشنهاد فراسمه بود و از این خوب بعلت طرقه اینها از بطریح است اینها همچون چندین اطلس اخراج شد

سولانی که در نام و مخفی زبان طنزی شدند به همها از نظر ظاهر خود  
بلکه از نظر زمان حاضر نباید قابل اهمیت باشد. این سوالات افکار هم  
در بروشته های سیاسی و هم در مکالمات شخصی، لزجید به اشکال  
متلک، اطبی بشکل شخصی، پیش از آنکه "طهوری ورقه را ازدست  
داده باشد"<sup>۲</sup>، "چگونه اسطالین دستکار را در اختیار خود گرفت؟"<sup>۳</sup> و  
"قدرت اسطالین از کجا سرهشمه میگیرد؟"<sup>۴</sup> . فواین داغلی اقلال  
و خدا انتقال همیشه و همه جا بصورت کاملاً انفرادی طنزی می شوند.  
لیکن که مطلب هرود بحث بازی شطرنج با یک سایه و روش است و به  
تفاوت ها و تفاوت های میقی با یا همیشی اختلافی . در این رابطه بسیاری  
از شیده های راکوست ما فرقی با دیگران های معقولی، که در مطالب  
با جمیت های تردید ای طبقه میباشد، هم البت هایی باز اینها را بکارهای  
گیرند.

هر کس که فهم هرچند کم هم از تابع داشته باشد می‌داند که  
هو اتفاقی بد بیال خود خد اقلاب را بیز همراه دارد . مطکناً هر چیز  
این خد اقلاب نتوانسته است ملت را از نظر اقتصادی کاملاً بد و زان پسر  
از اقلاب برگرداند و لیکن قسمت اعظم و گاهی موهمن قسمت دستوری  
های سیاسی مردم را از آنان پس من کرد . معمولاً اولین قرار این  
وضع ارتضای آن قدر از اتفاقاتیون منعقد که رهبری توده ها را در اولین  
دوره اقلاب، بعضی دوره تهاجمی آن، در هنگام «کلبرمان» آن در  
دست داشتند . این متأسفانه کافی طبقن پایه ما را به این نکته  
داد ایت لکن که طلب صراحتاً سازنده همارت، دلگوای هر دو یا چند  
فرمیست بلکه هر دو ایت از حقیقتی درخواست است .

مارکسمیت ها، بخلاف آنهای سطحی [از] قابل نکون می‌باشند *Low Mass*؛ بدل فائز *Paul Pears* و سایر اندک تغیرات و اینثار و ازادر او در رئیسکن های اجتماعی دست داشتند. ولی برگزنشاید «البته دعا مارکسمیت ها ف دانند که در تحلیل هنری های معین گند و آگاهانه [[شرایط]] موجود بیت است. نقش رهبری در اتفاقات سیاسی هم است بدین پنهان رهبری صحیح بروانی را نیز تواند پیوی شود. ولی بهین رهبری ها از پیدا ن وجود شرایط هیچ، نیز تواند اتفاقات را خلائق گند». از مهمین صفات یک رهبری پژوهشی قوه تشخیص آن بین موافقین چشم از موقع علی برشیان است. قدرتی نیز «الین در معنی قوه تشخیص